هو الله تعالی شأنه

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند از ابتدای سلطنت کیومرث که بعضی او را آدم علیه السلام
و بعضی از فرزندان آدم و بعضی فرزند عم حضرت نوح علیه السلام میدانند و حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده
نسبت او را چنین نوشته که کیومرث بن ودلاود بن اسم بن ارم بن ارفخشد بن سام بن
نوح علیه السلام و بعضی گفته‌اند از قبل از نوح از فرزندان حضرت شیث پیغمبر علیه السلام است والعلم عند الله
و حکیم طوسی ابوالقاسم فردوسی در این باب فرموده نخستین خدیوی که کشور گشود
سر پادشاهان کیومرث بود تا جلوس شاه جنت مکین شاه عباس ثانی
است

صاحبه عام
در ماه ذی ... سنه یوم

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

۲ فصل

اول احوال پادشاهان عجم قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده‌اند ... چهار دوره

دوره ... عام

۳ فصل

اول احوال پیشدادیان و لایات و جهرافیای ایشان

دوره ... عام

اول احوال ... عام

اول ملوک پیشدادیان و ایشان ... در عهد ایشان ... کیومرث
قبل از ایشان ... از فرزندان آدم علیه السلام ... بوده
سلطنت ... شده
سلطنت

... کیومرث نام او بود ...
و اما ... هوشنگ ... از ...
علیه السلام ... از ... سال عمر کرد
سلطنت

عام ... عام

... دارا
... اجرت
... هوشنگ ...
... از ... و ...
... گوهر ...
... از ...
از ... فارس

پس هوشنگ بن سیامک بن کیومرث لقب او پیشداد ... پس طهمورث ... دیوبند ... پس جمشید ...

... و در ایام او ... و در آن ایام ... حضرت سلیمان علیه السلام بود ...

... ضحاک ... سیصد سال ...

... ملکش ...

... فریدون ...

هو

مجلس ۳

تاریخ از آدم تا عجم و در مملکت ایران سلطنت کرده اند

فصل ۲

اول احوال پادشاهان ... قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

۲

اول احوال پیشدادیان

پس ... کیومرث ... اول کسی که ... پادشاهی کرد ...

... هوشنگ ... آتش ... جشن سده ...

... طهمورث ... دیوبند ...

... جمشید ... نوروز ...

... ضحاک ...

مدت ملکش ...

... فریدون ...

مدت ملکش ...

پس منوچهر پادشاه شد و چون از فریدون و ایرج کشته شدن ایرج
انتقام ستاند و سلم و تور را که عم او بودند بکشت
و گو در آن لشکر افراسیاب ترک خواهان ایرج بر گشتاسب درو
می‌یافت عظیم با سلم و تور کرد و غالب شد و ایران ظفر گشته
هر دو را بقتل رسانید
هم ملک شد

پس منوچهر مشهور بود در شهریار ایران منوچهر پسر ایرج بادی
نشست و اولاد تور بن فریدون افراسیاب با او جنگ
که سال‌ها اتحاد عظیم روی داد افراسیاب
افراسیاب کشته شد
هم ملک شد

ارلاد او کلهم آل ... او بود
و ... عجم ...

ما عالم

او عالم

او ...

هو

ار ... پادشاهان عجم در ملک ایران که ...

دوم ... پادشاهان بعد از ظهور اسلام سلطنت کرده‌اند

احوال ...

احوال
سعد
ساعد

احوال
پس ... شنیدن فریدون اگرچه
در بغداد ... سلطان ... تاریخ ...
بهار علم ... ایران
عجم ... ممالک ایران ... قبل
و غارت ... منهدم و مخول
عمارات ... قطع ... در آن ایام
با سلطان ... در ایران ... در ملک ...
در این حال ... شده بلال
... فارغ شده ... عساکر ...
و او را از آن ملک ... و ... مهول
ایران ... افراسیاب ... در ...
... سلاطین ...
... افراسیاب ...
در ... شده ...
هم سلطنت افراسیاب در ایران

عالم

روز جهان
پس منوچهر بود دیگر سال ... هجری
در ایران خراج ... ممالک ... او
... افراسیاب ...
... دهقان ... شد
هم ملک شد

عالم

[illegible]

ما عام

مجملی از احوال پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

فصل اول در احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

دوم در احوال پادشاهان کیان

[illegible]

ما عام

کیخسرو

پسر سیاوش بن کیکاوس در توران [illegible]
پدر بچهار ماه متولد شد چون بحد بلوغ رسید گیو بن گودرز
او را از توران [illegible] آورد و در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مدت ملکش [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

لهراسب

پسر اروند شاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دختر [illegible]
تاج و تخت باو داده در شهر [illegible]
دارحاب [illegible]
مدت ملکش [illegible]

والله اعلم

مبحث

[illegible] پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

فصل

اول در احوال پادشاهان که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

طبقه

دویم پادشاهان کیان

گشتاسب

پسر لهراسب در [illegible] در عهد او زردشت
دعوی پیغمبری کرد [illegible]
[illegible]
لهراسب [illegible] اسفندیار
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بجنگ رستم [illegible]
مدت ملکش [illegible]

بهمن

پسر اسفندیار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
محروم [illegible]
[illegible]
[illegible]
مدت ملکش [illegible]

والله اعلم

والله اعلم

بن بهمن ... ساز در عراق عرب ...
روز ... ودارا ... از ... او ... و محمد
کراسته در ... کار ... آورده
... ملک ... شد ...
وسلطنت ... او ... سلم دا
... ملکش

دارا ... بهمن ... روم ... او ... روم ... بود
فیلقوس ... در ... وش
بهار ... در ... روم
چون دختر ... بود در ... ملک
... ورد ... اسکندر ... الاکبر
منتحص ... فیلقوس ...
... اولبهنه ...
... ملکش

دارا ...
... الملک ... اعقاب ...

عام

معرسد على لار

حرماه ال ... اسکندر
رومی ...

... عام

هو

... سلسله ...

ارباب ... ملک ایران سلطنت ...

اول ... سلسله ...

۳

دوم ... کیان

بن دارا ... دارا ... رومی ... او ... اصفر ...
چنانچه اکثر ... واشراف ... نام اسکندر ...
بوشنند و ... دفات ... عالم ...
... ودکر او در قران ... خضر والیاس ... الحیوان ... خضر والیاس
... ملکش
علیهما السلام ... نصیب شد

عام

عام

معرسد على لار

هراه

سمرقند

عام

هو

مقصد ۸
در بیان پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

فصل ۲
در احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

قسم ۲ [illegible]

قسم دویم ملوک طوائف که بعد از اسکندر رومی پادشاهان [illegible] گرفتند سلطنت ایران [illegible]
متفرق گشت که بعد از آن در عهد ایشان تصنیف و تألیف علوم گوشه اهل علم مهجور گشتند
کتابها مندرس شدند و تاریخ ایشان در عهد ایشان [illegible] [illegible]
[illegible] موجب [illegible] کردند

عدد ملوک [illegible] مدت سلطنت [illegible] عام

فصل
در احوال [illegible]

عدد [illegible] مدت [illegible] عام

فصل
اول ایشان [illegible] رومی [illegible] اسکندر [illegible] ملوک طوائف [illegible] عراق و عصر [illegible]
[illegible] سال [illegible] دست [illegible] دارا کشته شد
مدت ملکش [illegible]

فصل ۱۸ عام
دویم [illegible] سال
[illegible] مدت [illegible] عام

[illegible] دارا [illegible] [illegible] رومی
[illegible] [illegible] دیگر
پادشاهان [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
مدت ملکش [illegible] عام

[illegible] عام

بن اشک بن دارا ... از پدر پادشاه اولدی و جنگ ... روم قیصر ... تقل ... ایلدی ... اسکندر ... روم ... ایلدی ... عراق اوله

مدت ملکش ۷ عام

بن بهرام بن ... از پدر پادشاه شد

مدت ملکش

بن بلاش ... از پدر پادشاه شد

مدت ملکش

بن ... از پدر ... متعلق گشت

مدت ملکش

بن هرمز ... عم ... پادشاه گشت

مدت ملکش

بن فیروز ... از پدر پادشاه شد

مدت ملکش

بن بلاش ... از پدر ... پادشاه شد

مدت ملکش ۱۲ عام

بن بلاش ... خسرو سلطنت ... اصفهان ... گشت

مدت ملکش

بن بلاش ... از پدر پادشاه ... جنگ اشکانیان ... کشته شد

مدت ملکش

دولت ... ملوک ایران سلطنت ایلدیلر

اول احوال اشکانیان ... قبل از ظهور اسلام سلطنت ایلدیلر

قسم دوم در ذکر ملوک طوائف

قسم اشکانیان

بن اشک ... جنگ ... پادشاه شد ... ملوک طوائف ... و شرط ...

مدت ملکش

بن ... پادشاه ... حضرت عیسی علیه السلام ... [illegible]

مدت ملکش

بن بلاش بن ... یحیی علیه السلام ... [illegible]

مدت ملکش

بن گودرز ... پادشاه شد ... [illegible]

مدت ملکش

بن نرسی ... پادشاه شد

مدت ملکش

بن بابک فرزند اردشیر شاه شد و مدت سلطنت در عهد او قیصر ایران گیرد و از ملوک طوایف مردم خواست داشت سالار ایران ... مدت ملکش

اردوان بن ... ملوک طوایف فرزند ... پادشاهی ... در جنگ اردشیر بابکان کشته ... مدت ملکش

ع ... ع

۱۰
لایحه از شاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۹
اول طبقات پارس ها که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

چهارم در ذکر ساسانیان که ایشان را اکاسره خوانند

ساسان ... عام

بابکان ... ماه ... عام

بابکان که ... او ساسان نام ... بهمن ... کرد ... از ... اردوان ... از مجبوره ... سر کوه ... و اردوان پسر ... بابک ... او در ... اردشیر ... شد و ... اردوان ... او ... شده ... که او را ... نقدان ... که آنجا ... و ... کارها ... نگاه داشت ... در ... سر ... اردشیر را پسر ... پور ده ساله شد و اردشیر را ... در ... ملاحظه

بن اردشیر فرزند ... بن شاپور فرزند ... ماه ... عام

مدت ملکش ... عام ... مدت ملکش ... ماه

... در بلاد فارس ... شاپور ... خراسان ...

بن اورمزد ... بن بهرام بن اورمزد ... ولیعهد شد ... مدت ملکش ... عام ... ماه

بن بهرام که او را بهرامان ... حوالت ... پدر ... بهرام ... فرزند ... مدت ملکش ... عام

بن بهرام فرزند ... مدت ملکش ... عام

۱۹

معزول شد و وزیر احوال ... داشت [illegible]
و قطع ... [illegible] ... جمع و ... عرض
کرد اردشیر ... [illegible] ... ولیعهد
ساخت و ... [illegible] ... در
... [illegible] ... دختر ... [illegible]
خروج کرد ... [illegible] ... جنگ ... [illegible]
... [illegible] ... شد
مدت ملکش

اول ... [illegible]
... [illegible] ... پادشاه
شد اول پادشاهی ... [illegible]
در دیوان ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... در
خوزستان عمارات
بسیار ساخت
مدت ملکش

در احوال پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

اول ... [illegible] ... که ... قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

چهارم

بن اردشیر ... [illegible]

بهمن اردشیر ... [illegible] ... شد ... [illegible]
... [illegible] ... که ... [illegible]
ساسان ... [illegible] ... اردشیر
... [illegible]
... [illegible] ... دختر ... [illegible]
... [illegible]
آن دختر ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
بهمن ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... جنگ ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
مدت ملکش
... [illegible]

... [illegible] ... شاپور
... [illegible] ... اردشیر ... ولیعهد
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
مدت ملکش

بهرام ... [illegible] ... پادشاه
... [illegible] ... کرمان ... [illegible]
... [illegible] ... کرمانشاه ... [illegible]
... [illegible]
مدت ملکش

... [illegible] ... شاپور ... [illegible] ... پادشاه شد
در ... [illegible]
و ستون ... [illegible]
در ... [illegible]
مدت ملکش

بن بهرام ... [illegible] ... پادشاه
شد ... [illegible]
در ... [illegible]
... [illegible]
مدت ملکش

[illegible] از [illegible]
که الکنون مملکت [illegible]
مملکت فروس

[illegible] شاپور و [illegible] شاپور که او را [illegible]
شوشتر و [illegible] نشابور میگویند

تفصیل

پس شاپور بن [illegible] پادشاه شد [illegible]
[illegible] فارس [illegible] او را [illegible] کار روم [illegible]
و [illegible] مملکت [illegible] او را در کنار چشمه [illegible] کشتند و [illegible]
[illegible] و در آخر [illegible]
[illegible] علاج [illegible] در [illegible]
چشمه [illegible]
ناگاه [illegible] چشمه [illegible] سلام [illegible]
یزدگرد [illegible] نهاد [illegible]
[illegible] او [illegible] در [illegible]
[illegible]
مدت ملکش

پس یزدگرد بن [illegible] از ارکان [illegible] ظلم
[illegible] بهرام
[illegible] تاج در میان
[illegible] پادشاه بن بهرام [illegible]
و پادشاهی [illegible] بهرام [illegible]
و [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] خواسته [illegible]
[illegible] هزار [illegible] ایران [illegible]
مدت ملکش

[illegible] عام

[illegible] عام

هو

مبحث ۱۴

از رابع پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

فصل ۱۱

اول احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده‌اند

۳

چهارم

تفصیل

پس بهرام بن [illegible] پادشاه شد [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] گشت
مدت ملکش

[illegible] عام

پس هرمز بن [illegible] پادشاه شد [illegible]
از [illegible] او [illegible]
لیکن او [illegible]
[illegible] گشت
مدت ملکش

پس [illegible] پادشاه شد [illegible]
[illegible] پادشاهی [illegible]
مدت ملکش
معرب [illegible]
[illegible] فیروز [illegible] کاریان
[illegible]

پس فیروز بن [illegible] پادشاه شد و در زمان
او مزدک دعوی پیغمبری کرد [illegible] همه
مشترک [illegible] قباد [illegible]
[illegible]
پادشاهان [illegible] گرفت
مدت ملکش

[illegible]

معرب [illegible]

[illegible] حلوان

حمد عام

۱۱

انوشیروان

بن قباد در عدل و رعیت پروری کوشیده مزدک
و مزدکیان را برانداخت و دیوار [illegible] اسفندیار در در [illegible]
خزر بنا کرد [illegible] واکیان [illegible]
تا شر قوم قبچاق [illegible] کتاب کلیله و دمنه و شطرنج
در عهد او [illegible] و اصحاب فیل در عهد او
قصد خانه کعبه کردند [illegible] حضرت
[illegible] وماه روی والشمس والضحی محمد مصطفی
صلی الله علیه وآله در ایام او جهان [illegible]
مبارک خود منور گردانید
مدت ملکش [illegible]

هرمز

بن انوشیروان [illegible] ظالم و ستمکار بود ارکان دولت
را [illegible] و [illegible] از طرف خراسان [illegible]
[illegible] بهرام چوبین [illegible] او
[illegible] بهرام [illegible]
[illegible] بهرام [illegible] شده و خواست
[illegible] بنام خسرو پرویز
[illegible] هرمز را [illegible]
[illegible] شده [illegible]
از آن [illegible]
مدت ملکش [illegible]

[illegible]

ع [illegible]

١٣

الطبقه الرابعه [illegible] پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

١٢

[illegible]

۴

چهارم

بهرام چوبین [illegible]

بهرام

چوبین [illegible] [illegible] دعوی [illegible]
[illegible] بهرام [illegible] روم
رفت و مریم دختر قیصر را در نکاح آورد [illegible]
قیصر با ایران آمد [illegible] بهرام چوبین ظفر یافته [illegible]
[illegible] و [illegible]
مدت ملک بهرام

خسرو پرویز

بن هرمز [illegible] پادشاهی [illegible]
[illegible] سر [illegible]
[illegible] هزار [illegible] و سه هزار
[illegible]
[illegible] و هزار [illegible]
[illegible]
[illegible] در عهد او [illegible] او و
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] محمد مصطفی صلی الله علیه وآله
[illegible] اسلام
[illegible] نامه مبارک
[illegible]
مدت ملکش [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٧

شیرویه

پسر پرویز بعد از پدر پادشاه شد و پانزده برادر را بکشت
بعلت طاعون در گذشت
مدت ملکش
۷ ماه

اردشیر

دخت بنت پرویز و ...
یک عام

آزرمیدخت

دخت بنت پرویز چون ... بر تخت پادشاهی نشست
و کینه شیرویه را از ... گشته
ایشان را بکشت
مدت ملکش
۷ ماه

اردشیر

... پرویز بعد از ... پادشاه شد ...
... و عاقله ... لشکرش ...
کند او را ... و ... گشت ...
... کشته شد
مدت ملکش
۷ ماه

فرخزاد

... پرویز ... اصفهان ... شد
و در ... شاه کشته ...
مدت ملکش یکماه

یزدجرد

... بن شهریار ... روم ...
امیر ... ... طمع ...
... پادشاه شد ارکان ... را
... کاه او ... گشته
مدت ملکش ۲۰ عام

شهریار ... بن کسری ... عجم ... شیرویه ...
... یزدجرد ... ایران ...
چون ایران ... عمر ... خطاب
سعد وقاص ... ... شاه
... ... یزدجرد ...
لشکر داده بسوی عراق ... خبر شد که ...
قصد ایران ... ...
ترکستان ... ... یزدجرد ...
... ...
... ...
... ...
مدت ملکش
۲۰ عام

۱۴

ملوک عجم

ابتدای ... ملوک عجم در ملک ایران سلطنت کرده اند

... بنای کعبه و بعد از ظهور اسلام

الف ... عام
... ماه و ... یوم

... از احوال بنی امیه علیهم اللعنه والهاویه

... عام
... ماه و
... یوم

معاویه
علیه اللعنه والهاویه ...

بن ابی سفیان اورا در ... ...
... ... عثمان ... حضرت
امام حسن علیه السلام و عبدالله عباس و عبدالله زبیر
و عبدالله عمر و عبدالرحمن ابی بکر ...
... ...
... ...
... ...
... ...
... ... معاویه زد که ...
... ...
مدت ملکش

... عام و
... ماه

یزید

... عام و
... ماه و
... یوم

بن معاویه علیه اللعنه بعد از پدر پادشاه شد ...
... ...
... ...
و حضرت امام حسین علیه السلام ... شهید ...
مدت ملکش ... عام و
... ماه

معاویه

بن یزید بعد از پدر در ... ...
... در اسلام ... بزرگان ... او ...
مدت ملکش

... یوم

حکم بن ابی العاص از مطرودان حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بود مردم در سنه ۶۴ هجری بیعت کردند و در آخر زنش هاشمیه را بکشت ... تا بجهنم اصل شد

عم
نه ماه

عبدالملک
بن مروان بعد از پدر پادشاه شد مردی کریم نهاد فراخ عطا بود ... اخبار در شهرها و در سمتها ... معلم ... نقش کرد و عمر عبدالعزیز را بمدینه ... فرستاد تا موضعی ... در حوالی مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله بخرید و اضافه مسجد کرد ... و در مسجد الحرام ستونهای سنگی ... سقوفش از چوب ساج ... و در دمشق مسجد جامع ساخت ... در جهان ... مدت ملکش
سیزده سال و ... و در دمشق ... دار الشفا ...

نه عام
ماه

عم الملک
بن مروان بعد از برادر پادشاه شد و در بنی امیه بعد از معاویه از و صاحب ... تر بود بعد از مروان حمار ... شجیع و ... مرد بود و در ایام او مختار بن ابو عبیده خروج کرد ابراهیم بن مالک اشتر ... او شد ... محمد حنفیه ... مدت ملکش
نه عام
ماه

سلیمان
بن عبدالملک بن مروان بعد از برادر پادشاه شد ... فتح گرگان و طبرستان ... وصلت ... دست ... حجاج ... و سیصد و ... جعفر ... نقره ... عمر عبدالعزیز ... مدت ملکش

عمر عبدالعزیز
دو عام
نه ماه

مبحث ۱۵
ارباب ... عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

فصل ۲
تاریخ ... بعد از ظهور اسلام

۲
احوال بنی امیه

عمر
بن عبدالعزیز رحمه الله

عمر
بن عبدالعزیز بعد از عم ... پادشاه شد ... بن خطاب بود ... حکام بنی امیه ... رسول الله صلی الله علیه و آله ... علی ... مدت ملکش
دو سال و ... ماه

یزید
بن عبدالملک بعد از عم پادشاه شد ... پدر ... روز ... مدت ملکش
عام و ... ماه

هشام
بن عبدالملک بعد از برادر پادشاه شد ... خروج کرد ... نصر بن سیار ... جراح ... در سنه ۱۲۱ ... امام زید بن علی بن الحسین علیه السلام خروج کرد ... عبدالملک ... امام محمد باقر علیه السلام ... مدت ملکش
بیست عام
... ماه

ولید
بن یزید بن عبدالملک بعد از عم پادشاه شد ... یحیی بن زید ... خراسان ... مروان حمار ... سلیم ... ولید ... مصحف ... در سنه ۱۲۶ ... جمادی الاول ... مدت ملکش
یک عام و دو ماه

یزید

یزید بن ولید عبدالملک مروان بعد از عم بعد پادشاه شد مادرش شاه‌آفرید دختر فیروز پسر یزدجرد شهریار بود او را ناقص خواند زیرا که وظایف و مرسوم لشکر که در عهد بنی امیه مجری بود او قطع کرد و به وقت بیعت او مروان پسر [illegible] بود و در ربیع [illegible] بود و در سنه ۱۲۶ در گذشت

مدت ملکش ۷ ماه

ابراهیم

ابراهیم بن ولید بعد از برادر پادشاه شد مروان حمار بر وی خروج کرد او گریخت و در صفر سنه ۱۲۷ از عمر [illegible] عبدالعزیز بن حجاج او را کشت

مدت ملکش ۲ ماه

مروان

مروان الحمار بعد از ابراهیم پادشاه شد که ابومسلم صاحب دولت در خراسان خروج کرد و او را با نصر سیار جنگ‌ها رفت و در اثنای حروب ابومسلم با او متفق شد نصر سیار مروان الحمار را [illegible] کرد و مروان [illegible] نصر سیار از ابومسلم [illegible] و عامر بن اسمعیل [illegible] با مروان جنگ کرد کشته شد و بعد از او سیف در اولاد بنی امیه [illegible] و در [illegible] هیچ کس را [illegible] و احوال [illegible] بعضی [illegible] و بر یکدیگر [illegible] کسترده طعام خوردند [illegible] حال [illegible] ذکر کردند [illegible]

مدت ملکش [illegible]

پادشاهی [illegible]

هو

ابواب پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

باب ۳ فصل

پادشاهانی که بعد از ظهور اسلام

اما در ذکر خلفای بنی عباس [illegible] که در [illegible] شده که معاصر [illegible] بعد از خلفا [illegible] بر یک خلفا [illegible] در [illegible] چون حکومت ایران [illegible] ایشان [illegible] معلوم گردد

یعقوب

صفاریان [illegible] ایران [illegible] در [illegible] در [illegible] سیستان [illegible] و [illegible] لشکر [illegible] تصور [illegible] کرده [illegible] ملک [illegible] سیستان [illegible] نصر [illegible] کرد [illegible] در [illegible] که [illegible] ملک [illegible] پادشاه [illegible] او را [illegible] و [illegible] شد

یعقوب بن لیث و عمرو بن لیث

یعقوب

یعقوب بن لیث بعد از وفات درهم بن نصر در سیستان خروج کرد در سنه ۲۳۲ در [illegible] ولایت سیستان مستولی شد و در سنه ۲۵۳ بر [illegible] مستولی شد و بعد از قتل [illegible] زمانی خراسان [illegible] و با علی بن [illegible] که فارس [illegible] او [illegible] معتمد خلیفه او را منشور [illegible] و در سنه ۲۶۵ در خوزستان در گذشت

مدت ملکش [illegible]

عمرو

عمرو بن لیث صفار بعد از برادر پادشاه شد و بر خراسان و عراق و فارس و [illegible] مستولی شد [illegible] در خوزستان و عراق [illegible] معتضد خلیفه اسمعیل [illegible] ماوراءالنهر [illegible] هزار مرد [illegible] او [illegible] هزار مرد [illegible] در برابر [illegible] جنگ [illegible] عمرو بن لیث [illegible] در [illegible] میان لشکر اسمعیل آورد تا با جنگ گرفتار شد اسمعیل او را [illegible] نزد خلیفه فرستاد خلیفه او را [illegible]

مدت ملکش [illegible]

طاهر بن محمد بن عمرو لیث بعد از جدش امرا او را بپادشاهی برداشتند اسمعیل سامانی بر وی غلبه
کرد و او را بسته بغداد فرستاد بعد از وی نصر بن احمد حاکم شد تا سنه ۲۹۵ حکم کرد عمرش
از ... تا این زمان ... سلطنت ... ایشان ...
مدت ملکش
۳۵ عام

لیث ...
از ... و بعد از اسلام ... در زمان ... کار ...
... بعیاری ... و بعد از آن ... سیستان ...
در عهد مامون ... خلیفه ... و ... او را کار ...
بعد از آن مامون خلیفه او را امارت ... در سنه ... معتمد خلیفه
... ولایت ... بتصرف ... سامان ...
مدت ملکش

ما عام و
عامان و
شش ماه و
... لوم

... ...

۱۲
... از شاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کردند

۴ فصل
... بعد از ظهور اسلام

۲ ... در ذکر صفاری و سامانیان

تتمه کوشوار ولد

سامانیان

اسمعیل بن احمد ... دار الملک ... بخارا ... ماوراء النهر در عهد او ... معتضد خلیفه فرمان داد ... و مملکت ... سلم داشت
مدت ملکش ۸ عام و ۸ ماه

احمد بن اسمعیل بعد از پدر ... و عالم ... و ما علاقه ... داشت ... و احکام ... در سنه ۳۰۱ ... جمادی الاول ... او ...
مدت ملکش ۶ عام و ۴ ماه

نصر بن احمد بعد از پدر بپادشاه ... علاء ... قصد ... و ماکان ... در حال او ... نصر ... او ...
مدت ملکش ... عام و ... ماه

نوح بن نصر بعد از پدر بپادشاه ... او ... و ... بن احمد ... در ... امارت ...
مدت ملکش ... عام و ... ماه

عبد الملک بن نوح بعد از پدر حاکم و در میدان ... از اسب ... شد
مدت ملکش ۷ عام و ۶ ماه

منصور بن عبد الملک بعد از پدر ... امرا ... و ... امارت ... البتکین ... علم ... او را ... البتکین ... امرا ... البتکین ... شد ... بعد و البتکین ... ابو الحسین ...

هو

محمد

۱۸

از انساب پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

فصل

های چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

۳

دوم در ذکر خلفای عباسی

همه کرسی دار دیلم

غزنویان

اصل سلسله آل سبکتگین پادشاهان آل سامان در حین الپتگین از منصور بن نوح امیر شده فرار نمود

ب سبکتگین

سبکتگین و از نوکران در هندوستان پادشاهی کرده با هندوان غزا نمود حین او درگذشت

علام و داماد او بود از جمله امیر کرده وارث او گشت بعد نفر برادر بر موجب حکومت کرده از

الب تگین

ناصر الدین

سبکتگین

نصر الدین

امیر ولد محمود قادر بالله در ربیع الاول حکومت برادر را و

کتاب عتبی و مقامات ابو نصر مشکان و

مجلدات ابو الفضل البیهقی مشاهده حاصل

ادبیت علما و شعرا اسلام دانسته در ادوار

محمود در هندوستان سعدان از شرح بهم رسانیده

لشکر در حدیث عدالت که مشهور شد مرد

میشد و ذرات خالص میرسد و در زمان سلطان

محمود مسعود را واگذاشت با برادر و سلطان محمود

و مقابل ناصر دولت گشته را مسخر کرده با ایلکی

صلح کرده و در ۴۱۶ فتح سومنات کرده در

سنه ۴۲۰ بر ملک عراق مستولی شده

از تصرف آل بویه بیرون آورده هم

در این سال بر خوارزم مستولی شد

مدت ملکش

سنه ۴۲۱

مسعود بن محمود بعد از برادر مکحول نموده سلطنت یافت و

عموی سلطان را در ساعت محمد الدین و سال ملک گشت

با برادر در جنگ و او را اسیر کرده ملک گرفته

در قلعه محبوس کرده و در ایام مسعود آل سلجوقیان

سهم بسته محمد مکحول را از تخت شاندند و

مسعود را گرفته در شب محمود اورد و سکر بال

او را کشته بعد از آن محمود اولغ لوق عید

کرد

مدت ملکش

سنه ۴۳۲

[illegible] از وزرای عادل خواجه [illegible] در [illegible]

سبکتگین در رساله کشت خود

مدت ملکش

[illegible] بن [illegible]

منصور

سنه ۳۶۶

ابن منصور بعد از برادر حاکم شده و وزارت

با ابو الحسین محمد بن سیمجور تفویض داد و اقبال شده بعد از اختلال

که ارکان دولت را از سبب این تفویض آزرده گشته و اراده سلطنت

ملک شاهان آل فریغون نموده و نقل از ایشان عزیمت

نمود و از کرده نوح فرار بر قرار داده بخراسان

رفت و بعد از آن بخوارا رسیده عزیمت

ترکستان نموده و در راه درگذشت

مدت ملکش

نوح

ابن نوح بعد از برادر بکنوبت بنشست حین از

ارکان دولت او با ملکیان ایلک خان جسته

و قصد که ملک را از او بجانب ایلک خان

کهسار را با تصرف نموده ولایت ملک را داد

مدت ملکش

سنه ۳۸۷

در ایام ابو الحسن [illegible]

عبد الملک

ابن نوح بعد از برادر منصور حاکم شد و اواخر

سنه ۳۸۹

مدت ملکش

عبد الملک

[illegible] ماه و [illegible]

در اردو در اول فصل ... سعد
جستن ... [illegible]
[illegible]

علاء الدوله مسعود
محمد بن محمود در حیات پدر در اول عهد چهار
سال در غزنین اتابکی کرد پس ملکم برادرش
مسعود را بگرفت بعد از آن مسعود
یک سال حکومت کرد و در سنه ۴۳۴
برادرزاده کشته شد
مدت ملکش

۵ عام

شهاب الدوله
مودود بن مسعود ... بعضی ... از
اول ... اول و ... در ... مسعود ...
... و در سنه ۴۴۱ ... جعفر ...
عزیمت خراسان کرد در راه بکوفت قولنج
درگذشت
مدت ملکش

۱۰ عام

مسعود
بن مودود بعد از پدر بحکومت نشست
طفل بود امرا و ارکان دولت بر عمش
معزول شد
مدت ملکش

بهاء الدوله
علی بن مسعود بعد از ... حاکم گشت و زن مودود
دختر جعفر بیک ... و او را عمش
بر او خروج کرده او را منهزم کرده ...
مدت ملکش

[illegible]

[illegible]

مجلس
۱۹
ازان پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

فصل چهارم
تمامی چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۴
در ذکر ضعفای بنی عباس

غزنویه ۲

همه ...

جمال الدوله
ابو منصور عبد الرشید بن محمود بعد از برادر
حاکم شد و ... تکین ... لشکر
اورده او را اسیر و دستگیر کرده طغرل ...
... شد ... شاهزاده ... در قلعه
... بعد از طغرل ...
ده ... طغرل ... حکومت کشته
در ... کشته ...
مدت ملکش

عام

قطب الدوله
فرخزاد بن عبد الرشید بعد از قتل طغرل
کافر نعمت بحکومت نشست و ...
هر که ... طغرل کشته بود ...
او ... در ... دفن کرده
سنه ۴۵۱ بعلت قولنج درگذشت
مدت ملکش

۷ عام

ظهیر الدوله
ابراهیم بن مسعود ... عم ... حاکم شد
و ... در سنه ۴۹۲ در
درگذشت
مدت ملکش
...

عام

علاء الدوله
مسعود بن ابراهیم بعد از پدر بحکومت نشست و
خواهر سلطان سنجر ... را در ... اورد
و در سنه ۵۰۸ درگذشت
مدت ملکش

عام

کمال الدوله
شیرزاد بن مسعود ... حاکم
شد برادرش ارسلان شاه بر وی خروج
کرده در سنه ۵۰۹ او را ...
مدت ملکش

عام

سلطان
... ارسلان شاه بعد از برادر ...
... و بهرام شاه ...
... بهرام شاه با ... سلطان
سنجر خال ...
مدت ملکش

۳ عام

معز الدین
بهرامشاه بن مسعود بعد از برادر در حالتی که کشته شده
بعد از برادر علاء الدین حسین غوری خروج کرده
شاه بهرام منهزم و به هندوستان رفت علاء الدین
حسین برادر خود را نایب کرده خود گوشه نشین
رفت بهرامشاه مراجعت نموده سیف الدین
شاه را منهزم ساخت جمعی او را گرفته به سلطان
او را بر گاو سوار کرده در شهر گردانیدند
چون این خبر به علاء الدین حسین رسید آهنگ رزم
بهرامشاه کرد وقت از ... او بهرام
شاه در سنه ۵۴۴ درگذشت
مدت حکمش

ظهیر الدین
خسروشاه بن بهرامشاه بعد از پدر در حالتی که
علاء الدین حسین جهانسوز آهنگ تخت و پایتخت
هندوستان رفت علاء الدین حسین برادر سلطان را خود
عنایت الهی ابو الفتح را نیابت در غزنین
اشتهار داد بعد بهرام رفت او خسروشاه را
با مواعید و اعمال برخواسته گرفته دستگیر
کرده به قلعه فرستاده محبوس ساخت
و در سنه ۵۵۵ درگذشت دولت
غزنویان سپری شد
مدت حکمش

... حسن جهانسوز ...

عام ... عام ... عام

اوایل پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

طبقه
ملوک چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

تتمه کوشوار دیلم

غوریان
اصل ایشان از نسل ... الغوری پادشاه غوریان که سلطان محمود غزنوی او را اسیر کرد ...

مدت حکمش ... عام

علاء الدین
حسن بعد از ... محمد بن سام بن حسین بعد از عم خود جمعی از امرا
مبایعت او و جمعی که ... سلطان
شهاب الدین ... و سلطنت
او بیشتر ... بر اطراف ... دولت
نمود در ... غزنین درگذشت ... تخت
سلطنت نشست و ... علاء الدین
او در ... سنه ... شد
مدت حکمش

عز الدین
حسین بن حسین بعد از عم خود اعزاز یافت مملکت را به سلطان
مدت حکمش ... عام

سیف الدین
محمد بن ابراهیم علاء الدین حسین بعد از پدر ... گشت
و به خراسان ... کرد
مدت حکمش ... عام

غیاث الدین
ابو الفتح محمد بن سام بعد از عم ... مملکت را ... از
مدت حکمش ... عام

شهاب الدین
ابو المظفر بن سام از ... غزنین ... و در
... برادر ... حکومت ... شد و در
سنه ۸ ... غزنی ... مواضع ... چند
مسخر کرد
مدت حکمش ... عام

... عام

دیلمیه

منتصب آل بویه که از نژاد بهرام گور است و در خدمت مرداویج بن زیار حاکم دیلمان بهم رسیدند و مرداویج همدان را قتل عام کرده [illegible] بر شمس [illegible] سلاطین [illegible] کرده او را [illegible] با صفهان [illegible] در سنه ۳۱۶ و بعد از [illegible] او را در حمام کشتند و علی بن بویه [illegible] با صفهان آمد و با وشمگیر [illegible] حرب کرد [illegible] بان قناعت [illegible] حکومت ایشان [illegible]

ماه [illegible] عام

عماد الدوله
در شیراز [illegible] یاقوت حاکم آنجا [illegible] لشکریان [illegible] ما [illegible] بسیار [illegible] رسید [illegible] سقف خانه [illegible] صندوق [illegible] یاقوت [illegible] عماد الدوله [illegible] یاقوت [illegible] عماد الدوله قرار [illegible]

مدت حکمش [illegible] عام

رکن الدوله
بغداد [illegible] لقب [illegible]

رکن الدوله
حسن بن بویه [illegible] سپهدار [illegible] عراق [illegible] در سنه ۳۴۰ [illegible]
در گذشت
مدت حکمش [illegible] عام

[illegible]

معز الدوله
احمد بن بویه بعد از [illegible] برادر [illegible] کرمان [illegible] امیر [illegible] حاکم کرمان [illegible] معز الدوله [illegible] در سنه ۳۳۴ [illegible] خلیفه او را [illegible] بغداد [illegible] امیر الامرا [illegible]

مدت حکمش [illegible] عام

عضد الدوله

ملوک [illegible] پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند

فصل ۸

ملوک چهار دهه بعد از ظهور اسلام

در ایام دولت خلفای عباسیه

[illegible] دیلمیه

عضد الدوله
[illegible] پسر رکن الدوله [illegible] بغداد [illegible] در سنه ۳۶۲ [illegible] عضد الدوله [illegible] امیر المؤمنین [illegible] و امام حسین علیهما السلام [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام مدفون است
مدت حکمش [illegible] عام

عز الدوله
بختیار بن معز الدوله [illegible]
مدت حکمش [illegible] مقتول شد

[illegible]
بن رکن الدوله عمید [illegible] ملک عضد الدوله [illegible]
مدت حکمش [illegible] مقتول شد

فخر الدوله
علی بن رکن الدوله [illegible] حکومت [illegible] در سنه ۳۸۷ در گذشت [illegible]

[illegible]
مدت حکمش [illegible] عام

مجد الدوله
ابوطالب رستم بن فخر الدوله [illegible] عراق [illegible] در سنه ۳۸۸ [illegible] عضد الدوله [illegible] سلطان محمود [illegible] مجد الدوله [illegible]
مدت حکمش [illegible]

[illegible] مؤید الدوله [illegible]

شرف الدوله ابوالفوارس شیرزیل بن عضد الدوله بعد از پدر در سنه ۳۷۲ در کرمان حکومت کرد و برادرش صمصام الدوله در دست خلیفه بود چون بعد از وفات صمصام الدوله او را گرفته میل کشید و در قلعه کرد و خود حکومت کرد تا در جمادی الاخر سنه ۳۷۹ درگذشت

مدت ملکش

صمصام الدوله ابوکالیجار مرزبان عضد الدوله بعد از ابوالفوارس اركان الدوله او را از قلعه بیرون آورده سالار شد و در سنه ۳۸۸ کشته شد

مدت ملکش

۷ عام و ۷ ماه

از ابتدای پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

طبقه چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

دیلم در دور خلفای بنی عباس

و تهمت ۳

گوید سالار دیلم

بهاء الدوله ابونصر شهنشاه بن عضد الدوله بعد از برادر در صفر سنه ۳۸۰ حکومت کرد و از خلیفه او را شهنشاه قوام الدوله لقب بود و او سلطان محمد بود ... و از رود ... و در ربیع الاول سنه ۴۰۳ با وجاع درگذشت

مدت حکمش ۲۳ عام و ۲ ماه

سلطان الدوله ابوشجاع بن بهاء الدوله بعد از پدر سالار فارس و کرمان بود و برادرش قوام الدین بر وی خروج کرد و سلطان الدوله غالب شد و قوام الدین بگریخت و سلطان الدوله در شعبان سنه ۴۱۲ در فارس بمرد

مدت حکمش ۹ عام و ۹ ماه

مشرف الدوله ابوعلی حسن بن بهاء الدوله بعد از برادر در عهد برادرش در حیات خلیفه بود در ربیع الاول ۴۱۶ درگذشت

مدت حکمش ۵ عام و ۵ ماه

جلال الدوله بن بهاء الدوله بعد از قتل برادر در سنه ۴۱۶ بعد از آنکه در بغداد امارت خطبه کرد و ... ۳۳ و بیشتر مصاحب او با علما بود و در سنه ۴۳۵ درگذشت

مدت حکمش ۱۷ عام

عماد الدین ابوکالیجار مرزبان بن سلطان الدوله بعد از برادر در ۴۳۵ در فارس حکومت نشست عمش جلال الدوله در بغداد امیر بود او را سم دادند و خلیفه جهه او خلعت فرستاد و در سنه ۴۴۰ درگذشت

مدت حکمش

۴ عام

الملک الرحیم ابونصر خسرو فیروز بن عماد الدین حکم و حشمت امارت بعد از پدر تعلق گرفت و در سنه ۴۴۷ سلطان طغرل بیک او را گرفت و بقلعه طبرک ری فرستاد و در آنجا محبوس بود تا درگذشت

مدت حکمش

منقرض شده

الملک

ابو منصور بن علاء الدین فرامرز برادر در فارس
حاکم بود فضلویه شبانکاره بر او خروج کرده در
سنه ۴۴۰ او را گرفته محبوس کرده همان جا در
گذشت و در سنه ۴۴۸ فارس در تصرف
فضلویه در آمد و در عهد برکیارق بن ملکشاه
سلجوقی درگذشت دولت آل بویه سپری
شد مدت حکمش سه عام

سلجوقیان

به شعبه منشعب شدند و چهار تن در بعضی از ایران [illegible] کرده اند و در مملکت
عراق عجم فرقه ایم یازده نفر در کرمان و یازده نفر در روم [illegible] کرده اند و در حکومت ایشان
[illegible]
[illegible] که از [illegible] در روم حکومت کرده اند
[illegible]
[illegible] در مملکت ایران دیگر جاها حکومت کرده اند

[illegible]

۲۴

ملوک پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

فصل ۱

خلفا چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

دویم در ذکر خلفای عباسی

همه گونه ادبیت [illegible]

طغرل بیک [illegible] که در فارس [illegible] حکومت کرده اند

طغرل بیک بن میکائیل سلجوق در
سنه ۴۲۹ در نیشابور بر تخت مسعود نشست و با تکلیش
عراق عجم و آذربایجان [illegible] شد
خلیفه [illegible] در سنه ۴۴۴
[illegible] خطبه
و سکه [illegible] سلطان رکن الدین لقب
یافت و در ماه رمضان [illegible]
[illegible] در [illegible]
گذشت و در سنه ۴۵۲ الب ارسلان [illegible]
[illegible] دختر خلیفه [illegible]
و در [illegible] سنه ۴۶۵ [illegible] در گذشت
و دختر خلیفه [illegible]
مدت سلطنتش [illegible]

[illegible]

الب ارسلان [illegible] القائم
بامر الله [illegible] سلطان عضد الدین جلال امیر
المؤمنین لقب داده و حسن صباح [illegible]
سلطان شد و خواجه نظام الملک وزیر و
میان او و حسن صباح عداوت [illegible]
[illegible] حسن صباح [illegible]
ممالک [illegible] متعهد شده
[illegible] و ارکان [illegible]
[illegible] حسن [illegible]
[illegible] دفتر [illegible]
حسن [illegible] سلطان [illegible]
[illegible]
سلطان [illegible]
[illegible] کشته شد
مدت سلطنتش [illegible]

سلطنت

ملکشاه بن الپ ارسلان بسعی خواجه
نظام الملک [illegible] در سنه ۴۶۵
تکش برادرش بر او عاصی شد سلطان او را
[illegible] در اواخر [illegible] کشته شد و در سنه [illegible]
سمرقند [illegible] که سلیمان خان را گرفت
و در سفر ترکان خاتون [illegible] طمغاج خان
[illegible] و در سنه ۴۸۵ خواجه نظام الملک را
[illegible] در [illegible] سلطان
[illegible] نظام الملک را در صحبت [illegible]
[illegible] سلطان جلال الدوله معز الدین
ملکشاه یمین امیر المؤمنین لقب یافت
و در اصفهان درگذشت
مدت حکمش [illegible]

سلطنت

جلال الدین برکیارق بن ملکشاه بود از
مدتش [illegible] سالها [illegible] در ارث مؤید
الملک بن نظام الملک [illegible]
او را سلطان رکن الدین قسیم امیر المؤمنین لقب
داد سلطان برکیارق در صفر سنه ۴۸۷ در [illegible]
همراه عمش تکش [illegible] و عمش را
گرفته در قلعه تکریت محبوس ساخت
منزل [illegible] رسید و در همان سال فرنگیان
المقدس را گرفته [illegible] اسمعیلیان [illegible] شهید
کردند و سلطان [illegible] شهر ربیع الاول سنه ۴۹۸
در بروجرد درگذشت
مدت ملکش [illegible]

۲۴
[illegible] عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۱۱
ملوک [illegible] دفعه [illegible] اسلام

۹
[illegible]

۳
[illegible]

۲
سلطنت طغرل بیک [illegible]

سلطنت

محمد بن ملکشاه برادر برکیارق [illegible] دفعه
رفت [illegible] ایشان [illegible] و [illegible] خلیفه او را
مستظهر خلیفه او را غیاث الدین محمد قسیم امیر
المؤمنین لقب کرد [illegible] هندوستان [illegible]
[illegible] کرد وقتی که محمد [illegible]
[illegible] او را قریب [illegible] هزار من [illegible]
هندوستان [illegible]
گفت مردم [illegible]
محمد [illegible] خواهند [illegible]
اصفهان آورد [illegible] جهت خواری [illegible] در آستانه
مدرسه [illegible] خوابگاه [illegible] امروز
همچنان هست و در ۲۴ ذی حجه سنه ۵۱۱
درگذشت
مدت ملکش [illegible]

سلطنت

سنجر بن ملکشاه در عهد برادران حاکم
خراسان بود بعد برادران چهل و [illegible] سال
سلطنت کرد و خلیفه او را [illegible] امیر المؤمنین
لقب [illegible] والدین سلطان [illegible] در سنه ۵۱۱ [illegible]
[illegible] سلطان سنجر در غره شهر ربیع الاول
سنه ۵۵۲ رحلت نمود
مدت حکمش [illegible]

سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بعد از پدر بر سریر
حکومت نشست با عم خود جنگ کرده صلح اتفاق افتاد
خلیفه او را سلطان غیاث الدین محمود یمین امیر المؤمنین
لقب کرد و در سنه ۵۱۴ سلطان مسعود برادرش
از ظاهر همدان با او مصاف کرده منهزم
بگرگان رفت و در شهر صفر سنه ۵۱۵ سلطان
محمود بری آمد و مرشد خلیفه با او بد شد
و در ۱۵ شهر شوال سنه ۵۲۵ درگذشت
مدت حکمش

سلطان طغرل بن محمد بن ملکشاه بعد از برادر در
ایام با عم بحکومت نشست مرشد خلیفه او را
رکن الدین طغرل یمین امیر المؤمنین لقب داده
و در همدان در سنه ۵۲۸ درگذشت
مدت حکمش

سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه بعد از برادر بر تخت
حکومت نشست مقتفی خلیفه او را سلطان
غیاث الدین مسعود قسیم امیر المؤمنین لقب
داده و او را از لشکر کشیده جنگ آمده در
سنه ۵۴۱ در همدان جنگ کرده قتل بسیار
واقع شده عاقبت برانه اسیر گشته
و او در ... شهر رجب سنه ۵۴۷ در همدان درگذشت
مدت حکمش

در زمان خلافت ... جعفر ...

سلطان ملکشاه بن طغرل بن محمد بعد از عم
حکومت یافته دارالخلافه مغیث الدین
ملکشاه یمین امیر المؤمنین لقب یافت
و او به لهو و لعب و طرب مایل بود
مدت حکمش

هو

لایح ایشان ... که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۲۵

فرقه ۱۲

... چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

دویم در ذکر صفاری عباس

تتمه گوشوار ذیل

سلطان طغرل بیک ...

سلطان محمد بن محمود بعد از برادر در سال ... در ری
کرنگ همدان جنگ کرده ... و او را لقب
... داده و از دارالخلافه سلطان
غیاث الدین محمد قسیم امیر المؤمنین لقب یافت و در
ذی الحجه سنه ۵۵۴ درگذشت
مدت حکمش

سلطان سلیمان شاه بن محمد ... موفق گردید بازو
که بر ... امرا ... موصل او ... باد
... و بعد از شش ماه ... محبوس گشت
و در سنه ۵۵۶ درگذشت و لقب او در دار
الخلافه سلطان معز الدین سلیمان شاه برهان
امیر المؤمنین بود
مدت حکمش ۷ ماه

سلطان ارسلان شاه بن طغرل بعد از عم ... شد
از دارالخلافه لقب او سلطان رکن الدین ارسلان
قسیم امیر المؤمنین داده و او دختر ... کرمان
داشت فاطمه دختر علاء الدوله ... بعد از ... نکاح
آورده بود در ۱۵ جمادی الاول سنه ۵۷۱ درگذشت
مدت حکمش

سلطان طغرل بن ارسلان بعد از پدر ... از دارالخلافه او را
سلطان رکن الدین طغرل قسیم امیر المؤمنین لقب ...
... صاحب ... لشکر ...
داد و در سنه ۵۸۵ ...
منجمان حکم کرده ... عالم ...
که ... اصلا ... و در همان ...
حال ... قوم ... و ... در سال ...
در ایران درگذشت و ... در همدان سلطان
طغرل ... گرفته در قلعه ... همدان ...
محبوس کرده حکومت ... ارسلان ... و بعد از
الملک ... حوار ... در ...
مدت حکمش

در
... پسر ... که در کرمان حکومت کرده اند
۱۱ نفر
... ۱۲ عام

... بن ... در ۶۱۹
در سنه ۶۳۳ حاکم کرمان ... و در سنه ۶۳۳
... گوتاه ...
... و در سنه ۶۵۰ در ...
... ارسلان ... کشت
... حکمش

... ۶ نفر ... مالک ۸ عام
... اتابک ...
... ۱۱ عام
... محمود
... شاه بن بهرام شاه
... ۱۰ عام
... ارسلان شاه ... مبارک شاه
و بهرام شاه و ... و ... و ...

۱۴ عام ... ۱۳ عام ... ۲ عام ... ۱۱ عام

۲۶
لب التواریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۱۳
طبقه ... چهارم ... بعد از ظهور اسلام
... در ذکر ... عباس

خوارزمشاهیه ... نه نفر ...
اول ... انوشتکین غلام ... ملکشاه ... سلطان ...
سلجوقی بود ...
در اول ... خوارزم در ... خوارزم ...
... محمد بن انوشتکین ... خوارزمشاه ... در سنه ۴۹۱
در ... سلجوقیان مبالغه نمود
۳۰ عام

... خوارزمشاه ... ارسلان بن اتسز ...
بن ... سلجوقی ... در سنه ۵۵۱ ... در سنه ۵۶۸
... ارسلان ... در سنه ۵۶۸
... حکمش

... ۴۰ عام
... خوارزمشاه ... سلطان ... بن ارسلان ...
... در سنه ۶۱۷ ... در سنه ۵۹۶ ...
... در ... حکمش ... حکمش

۷ ماه ... ۲۱ عام ... ۲۸ عام

سلطان سلطان

قطب الدین محمد بن تکش خان بعد از پدر پادشاهی
بر و تعلق گرفت و در سنه ٦١٧ در جزیره ابسکون درگذشت

رکن الدین غورسانجی

شد چنانکه تا ده ماه بود و از عمارات اثر نماند و در
جای دیگر بنای شهر کردند بعد از شصت و چهار سال در سنه ٦٢٨
انکه لشکر از خراب که بکوشید دیگر شهر بنا کردند
سلطان را لقب ظل الله فی الارض بن لقب کردند با
چنگیز خان جنگ کرد و در جزیره ابسکون در سنه ٦١٧
درگذشت او را همانجا دفن کردند در اواخر
مغول او را از گور در آورده سوختند
مدت حکمش

سلطان

رکن الدین غورسانجی حکم بر سلطنت عراق
بر او مفوض بود مغول او را در قلعه گرفتند پس
بعد او آمدند در سنه ٦١٩ باکس بن شهید کردند
و اینحال در سنه ٦١٩ بود
مدت حکمش

سلطان

جلال الدین منکبرنی بعد از پدر بخوارزم آمد
امرای خوارزم با اتفاق گفتند سلطان جلال الدین با
جای توقف نیست از غزنین کو با لشکر چنگیز خان
هفت مرتبه کارزار کرد و السلطان هفتم زیر او مظفر بود
تا چنگیز خان جنگ او رفت و در شوال سنه ٦١٨
بکنار آب سند جنگ کردند لشکر چنگیز خان مظفر
گشت و با کشتی از آب سند گذشت و بهندوستان رفت
و لشکر گرد کرد و جمع آمده اکثر هند را
بگرفت و از آنجا بخوارزم رفته با لشکر غور جنگ کرده
مظفر شد و در اواخر گرفتار گشته شد
مدت حکمش

رکن الدین غورسانجی بعد از پدر...
جلال الدین بعد از پدر...
العفار

له عام

عام

٤٧

اتابکان از شاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده

فصل چهاردهم بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای عباسی

تمه گوشوارد

عدد

در ایران حکومت کرده

ماعام

اتابک سلغر بن مودود در عهد سلطان مسعود
در سنه ٥٤٣ ملک فارس را مسخر کرده در
سنه ٥٥٦ درگذشت
مدت حکمش

اتابک زنگی بن مودود بعد از برادر در غزنه کاشان از اولاد
ملک فارس داشتند زنگی از شاه مقهور
گرفته ملک بر او قرار گرفت و در سنه ٥٧١
درگذشت
مدت حکمش

اتابک تکله بن زنگی بعد از پدر پادشاه شد
و در سنه ٥٩٠ درگذشت
مدت حکمش

اتابک طغرل بن سنقر بعد از عم او حکومت
بر او تعلق گرفت و در سنه ٥٩٩ بر دست
سعد بن زنگی کشته شد
مدت حکمش

عام

له عام

اتابک سعد بن زنگی بعد از ظفر بر طغرل (؟) بر اتابکی برقرار
گرفت و در ایام او قحط و وبای عظیم پیدا
شد و در سنه ۶۱۳ عزم تسخیر عراق کرد و به دست
سپاه محمد خوارزمشاه اسیر گشت و مال وضع
کرده بفارس رفت پسرش ابو بکر آزاده نمود که او را
راه ندهد مردم شهر او را شهر آوردند ابو بکر پس
محبوس گشت با سلطان جلال الدین
از هند مراجعت داد او را خلاص نمود در سنه ۶۲۳
درگذشت
مدت حکمش

اتابک ابو بکر سعد بن زنگی بعد از پدر بر پادشاهی نشست عادل
دختر خواه و بزرگ منش بود علما و فضلا را دوست
داشت گیتی و گرجی و بحرین را مسخر کرد
و بسیار بقاع خیر ساخت و مزار شیخ عبد الله
خفیف را تعمیر کرد و در جمادی الاول سنه ۶۵۸
درگذشت
مدت حکمش

اتابک سعد بن ابو بکر بعد از پدر پادشاه شد و در عرض راه
و الا در بحر بود و در گذشت
مدت حکمش

اتابک محمد بن سعد بن زنگی از پدر و جد پادشاه شد
او صغیر بود چون او کوچک بود مادرش
ترکان خاتون مدبر ملک گشت و در سال ۶۶۰
بر بام افتاده بود و در ذی الحجه سنه ۶۶۱ قبل
از بلوغ درگذشت
مدت حکمش

هو

باب ۲۸ از پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
فصل ۱۰ تا سال چهارصد و چهل بعد از ظهور اسلام
فرع ۱۳ در ذکر خلفای عباس
۲

اتابک محمد شاه ده ماه
عالم و نگاه

اتابک محمد شاه بن سلغر شاه بعد از سعد ... بود
نبیره ترکان خاتون دراز ... منزل
سنه ۶۶۱ تا ابو جعفر ... و او را ... کرده
فارس ... شد
مدت ملکش ... ماه

اتابک سلجوق شاه بن سلغر شاه به انتقام الدوله کشک
ترکان خاتون رفت و در ملک فارس ...
... ترکان خاتون ... کرد و لشکر
مغول بعد از ترکان خاتون ... سلجوق شاه ...
... از ایشان منهزم ... امیر سعد
در ... لشکر مغول ...
در سنه ۶۶۲ سلجوق شاه بدست مغول کشته گشت
مدت ملکش ... ماه

اتابک ابش خاتون ... سعد بن ابو بکر بعد از عم ...
... ترکان خاتون بر پادشاهی فارس و
داد ... در فارس ... بود
... منکو تیمور بن هلاکو خان ... گشتند
و در فارس ... مغول آمد
مدت ملکش

باب ... در ذکر مصر و شام و بعضی در ایران حکومت کرده اند بعد از ... احوال ایران
است که ... در مصر و شام حکومت کرده با ایران ... از خصوص مشهور
... در مصر و شام ... که با ایران ... نموده اند
الا ... اند

باب ...
... در ایران حکومت کرده اند
ماله ...

۳۷

زنگ

صبح حسن علی در اول این عشری و امراء امیر معزو با ... در ۲ شنبه ... شام ... و هفت ماه ... او
اگر با صفاهان آمد و از اصفهان در ۴ شنبه ... المورد ... او در ... روی در ...
چهارشنبه ... شهر ربیع الاول ۱۸ شنبه ... مرد ... حکمش

احمد ... عراق

زنگ

احمد ... حسن ... و در سنه ... هر حکمش

محمد

زنگ احمد ... و ... در سیزدهم ربیع الاول ... شنبه ... حکمش

... محمد ... حکمش له ... عام

صراف

محمد بن حسن ... در ... و ... در سال ... دهم ربیع الاول ۲ شنبه ... هر حکمش

صراف

جلال الدین حسن بن محمد ... شد ... و ... از ... و ... او در اصفهان ... حسن و دیگر ... ۹ ... سنه ... در ... هر حکمش

له ... ۷ ماه ... جلال

۲۹

لایح ... عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

... بعد از ظهور اسلام

... تیمور گورکان ... دیگر صفویه ... عباس

سلجوقی

صراف

جلال الدین محمد بن جلال الدین ... رکن الدین ... علاء الدین ...
... ترک ... سنه ... حسن ... در سال ... کرد ... حسن ...
... در ... سنه ۵۰۴ ... در ... حضور ... اسمعیلیه ...
زن و شوهر ... حکم ... حسن ... در ... شوال ... شنبه ... هر حکمش

عام

... حکومت ...

... رکن الدین ... از امراء ... سلطان جلال الدین ... در ... سنه ۳ ... هر حکمش

... عراق ... هر حکمش

له ... عام

۲۸

سلطنت قطب الدین بن براق حاجب

قطب الدین بن براق حاجب منکوقاآن سلطنت کرمان رسیده در سنه ۶۵۵ در گذشت

مدت حکومتش ۷ عام

سلطنت حجاج بن قطب الدین

حجاج بن قطب الدین بعد از پدر بحکم ابقاخان منکوقاآن [illegible] ترکان [illegible] رفت و بعضی [illegible] قتلغ ترکان [illegible] مدت حکومتش [illegible] عام

سلطنت قتلغ ترکان

[illegible] عام

سلطنت جلال الدین سیورغتمش

جلال الدین سیورغتمش برادر سلطان حجاج [illegible] فارس الحکم ارغون [illegible] سلطان [illegible] رسیده و در سنه [illegible] معزول گشت مدت حکومتش [illegible]

[illegible] عام

سلطنت محمدشاه بن حجاج

محمدشاه بن حجاج در سنه ۶۹۱ بسلطنت کرمان [illegible] شد و وزارت بقاضی فخر الدین [illegible] داد و در سنه ۷۰۳ با فراط شراب در گذشت مدت حکومتش [illegible]

[illegible] عام

سلطنت قطب الدین شاه جهان

قطب الدین شاه جهان بعد از عزل [illegible] بسلطنت کرمان رسید مدت حکومتش [illegible] عام

سلطنت [illegible]

[illegible] بن قطب الدین مدت حکومتش [illegible] عام

که چند سال و چند طایفه و هر طایفه چند نفر در ایام خلفای مذکور در ایران حکم‌ران [illegible] بخلاف خلفا [illegible] است

[illegible] حکمرانی و اولاد او در ایران حکومت کرده خلفا [illegible]

[illegible] عام و [illegible] ماه و [illegible]

هو

۳۰

طبقه [illegible] پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

[illegible] ما بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

[illegible]

سلطنت ابو العباس سفاح

ابو العباس عبد الله بن محمد بن علی بن عبد الله بن العباس در روز آدینه ۱۳ ربیع الثانی سنه ۱۳۲ [illegible] بیعت کرد [illegible] زبان و بنده بال و کریم الطبع [illegible] نشست و از اولاد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] و ابو جعفر [illegible] یزید بن هبیره [illegible] فرستاد که از قبل مروان حاکم بود ابو جعفر کار او [illegible] بش برادر [illegible] سفاح [illegible] و [illegible] فرستاد [illegible] ابو مسلم [illegible] ابو جعفر [illegible] ابو مسلم [illegible] در ۱۳ ذی الحجه در گذشت [illegible] عمارات [illegible] در آنجا مدفون است

مدت خلافتش

[illegible] عام و [illegible] ماه

سلطنت المنصور

ابو جعفر عبد الله محمد بن علی [illegible] خلافت [illegible] ابو مسلم [illegible] کرده را طلب داشت وزیر ابو مسلم مانع [illegible] کرده [illegible] درگاه خلافت رفت خلیفه او را [illegible] به وسیله شمشیر [illegible] بقتل رسید در سنه ۱۴۵ [illegible] سلیمان [illegible] عمارت کسری [illegible] بن عبد الله [illegible] وزیر [illegible] خلیفه عرض [illegible] کرده او را محبوس ساختند و در آن حبس فوت شد

مدت خلافتش

[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

المهدی

بالله ابو عبدالله بن محمد جعفر برادرش در اکثر ... با او بیعت
کردند خیر و نیکو فعل بود عادت ... انبیاء این اصلاح
کرده حاجت ایشان نیکو ... کرده ... از ان خلق
گردانید و در حق اولاد صحابه و اولاد ...
انصار انعامات ... بود در عهد او ... ماه نخشب ...
وضع ... گردید ... او را ...
او بود ... سنه ۱۶۲ بود در روز ... سنه ... مسموم شد
مدت خلافتش

الهادی

ابو محمد موسی بن مهدی منصور برادر ... حکم وصیت
خلافت ... واو در ... کال بود ... این
عبدالله ... و عبدالله داود و عمر ... شهید ...
هاشمی ... نقیض قرآن ... کنند ابن المقفع
... افصح فصحا و اعلم علمای آن زمان بود ... در این
کار ... و یکی ... کلمه ...
ایشان ... احوال ایشان ...
بکشت ... در ربیع الاول سنه ۱۷۰ او فات کرد
مدت خلافتش

[illegible]

محمد

از رابع پادشاهان عجم که در ملک ایران ... ۳۱

... ۱۸ ... دفعه بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

الرشید

ابو جعفر هارون وجیه

ابو جعفر هارون بن مهدی ... برادر ...
... گفته ... داشت ...
دلیر و ... و کار ...
... ابو جعفر ... هارون ... داشت
... فرموده ...
... صد ...
...
...
... ربیع ...
هارون ...
... و او در شهر طوس
در شب شنبه ۳ شهر جمادی الآخر سنه ۱۹۳ در ...
مشهد حضرت امام ضامن علیه السلام است دفن کردند
مدت خلافتش

الامین

محمد بن هارون بن مهدی برادر هارون الرشید در اول
خلافت بر وی مقرر شد ... عباس ...
...
...
...
... ۱۹۸ ...
...
...
...
...
...
امین شد
مدت خلافتش

المأمون

ابوالعباس عبدالله بن هارون مامون سالار علویان
سهیل [illegible] داشت با حضور امام رضا علیه السلام
ولیعهد ساخت و دختر خود زینب را به او داد و شعار سیاه عباسیان
را به سبز علویان [illegible] کرد تا فتنه علویان فرو نشیند
و در بغداد بنی عباس از این حرکت مامون را خلع کردند
و صلاحیت با ابراهیم بن مهدی بیعت دادند و در دره اهر
و در سنه ۲۰۳ مامون به بغداد آمد ابراهیم را خلع کرد
و هم در این سال بابک خرم دین دعوی آشکار کرد
مامون محمد بن حمید طوسی را به جنگ او فرستاد بابک
او را کشت و کار بابک قوی گردید مامون [illegible]
[illegible] در سنه ۲۱۸ [illegible] وفات یافت
مدت خلافتش [illegible]

المعتصم

محمد بن اسحق بن هارون الرشید برادر مامون [illegible]
نشست و او بخریدن غلامان ترک اهتمام داشت و شهر سرای
[illegible] مره اشتهار داد و [illegible] قبل از اسلام [illegible]
[illegible] شهر که خراب شده بود تجدید بنای شهر
کرد [illegible] بابک [illegible] خروج کرد و اخر الامر گرفتار شد عدد
مقتولان بابک در زمان خروج که بعد سی هزار [illegible]
و در سنه ۲۲۳ بابک را در [illegible] کشتند معتصم
[illegible] مکتفی [illegible] اکثر [illegible] ال عباس [illegible]
[illegible] سلوک [illegible] عجم [illegible]
او بعد [illegible] علم [illegible]
و هشت پسر و هشت دختر داشت [illegible] هزار
هزار دینار [illegible] هزار [illegible]
از و باز ماند و هشت هزار غلام [illegible] داشت
[illegible] در سنه ۲۲۷ در گذشت
مدت خلافتش [illegible]

[illegible]

۳۲
اول پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند
۱۹
طبقه چهار دهم بعد از ظهور اسلام
۱۲
در ذکر خلفای بنی عباس

الواثق بالله

[illegible] هارون بن معتصم او مذهب اعتزال داشت و علما را اذیت
داشتی در ایام او احمد بن نصر خروج کرد [illegible] در سجادت
[illegible] ضعفا [illegible] او [illegible] و در مکه معظمه
[illegible] در ویش [illegible] از روی درویش [illegible] از رم
طلب [illegible] درویش [illegible] قبول
[illegible] قبول کردن
[illegible] درویش [illegible]
حکام صد هزار درم [illegible] جواب [illegible]
[illegible] صد [illegible]
[illegible] صدقه داد [illegible] در گذشت
[illegible] مرض استسقا در گذشت
مدت خلافتش [illegible]

المتوکل علی الله

ابوالفضل جعفر بن معتصم برادر الواثق خلافت
[illegible] قرار گرفت و در سنه ۲۳۳ [illegible]
[illegible] و در ان سال [illegible] قرار
[illegible] و در سنه ۲۴۳ [illegible]
زلزله واقع شد که [illegible] شهر خراب شد
و در ری و جرجان و نیشابور و اصفهان [illegible]
[illegible] اقالیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] متوکل
[illegible] حضرت امام حسین علیه السلام
[illegible] کربلا [illegible] و در سنه ۲۴۷
[illegible] ابوالفضل
مدت خلافتش [illegible]

المنتصر بالله
دوره
سران
۶ عام و
۶ ماه

المنتصر بالله
ابو جعفر محمد بن المتوکل چون بعد از پدر بر تخت خلافت

مدت خلافتش
۶ ماه

المستعین بالله
ابوالعباس احمد بن المعتصم بعد از فوت برادر منتصر بالله
بر مسند خلافت قرار گرفت امرای ترک با مستعین
بیعت کردند در سنه ۲۵۰ یحیی بن عمر بن یحیی بن
زید العلوی در کوفه خروج کرده کشته شد و در صفر سنه ۲۵۱
وصیف و بوقا با قرار بگشتند و از اعمال از اتراک
از ورکشته او را خلع کرده در سامره معظمه بقتل
رسانیدند
مدت خلافتش

المعتز بالله
محمد بن جعفر حسن کلاه قسمت احمد بن اسرائیل که
که در خلع مستعین سعی بلیغ نموده وزیر کرده شد و اتراکان
اراده داشتند که مؤید و موفق را از ولیعهدی خلع کرده آزاد
بیعت کنند فرمان داد تا ان هر دو را حبس نمودند و بیاسا
بمیان برف افکندند و آن را رومی کشیدند تا جان بر لب آمد
پوستین سمور بر روی پوشیده فرار کرده او که برادرم
ممالک طبیعی در گذشت و موفق با ابن بصره فرستاده بس
گردانیده ترکان وصیف و بوقا را بکشتند صالح بن وصیف
و محمد بن بوقا جمعی را با خود متفق ساخته بر سر معتز بالله
گرفته از تخت زر آورده او را از خلافت خلع کردند
و آب و نان در زندان از وی باز گرفتند تا از تشنگی
در سنه ۲۵۵ بمرد
مدت خلافتش

۴ عام و
۶ ماه

۴ عام و
۶ ماه

هو

۳۳۳

لوایح از شاهان عجم را در ممالک ایران تفصیل کرده اند

قسمت ۲
باب ۴ بیان چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

فصل ۱۸
در ذکر خلفای بنی عباس

المهتدی
وفات

المهتدی
ابو عبدالله محمد بن الواثق حسن کلاه قسمت روش
عمر عبدالعزیز پیش گرفته امر معروف و نهی منکر
شعار خود ساخت و استاد ذهب و فضه را شکسته
مسکرات کم و حصور داد که بساط فرش بود محو کردند
کرد و شرعی اجرا ساخت و ... ضاربه را که
ضعفا در زنجیر کشیده بجهت قتل رسانید بعد از وفات
او در صندوق مقفل غل و جامه پشمین بود در
پوشیده و غل در گردن بعبادت اشتغال مود کی
مدت خلافتش

المعتمد
علی الله احمد بن جعفر المتوکل حوال کلاه قسمت
ملک و ملت تنها رواج در رونق پدید آمد و صاحب
الزنج در عهد او خروج کرده بقتل رسید و معتمد
جشنی ترتیب داده خود را از خلافت خلع و معتضد
برادر زاده خود را ولیعهد ساخته در گذشت
مدت خلافتش

۱۱ عام و
۱۱ ماه

المعتضد بالله ابوالعباس احمد بن الموفق حسن کلامی داشت

فتنه‌ها تسکین داد و ولایات معمور گشت و در
سنه ۲۸۴ اراده نمود خطبا بر منابر لعن بر امیه
کنند وزیرش نگذاشت و در سنه ۲۸۳ معتضد
شخصی بصورت مختلفه در قصر خلافت معتضد
ظاهر میشد گاهی بصورت شیخ سفید و گاهی بصورت
جوان خوب روی و بهیکل ... و
در ربیع الآخر سنه ۲۸۹ در گذشت
مدت خلافتش

۹ عام و ۹ ماه

المکتفی بالله علی بن احمد المعتضد حسن کلامی داشت و کمال
دانش که مکانها را معتضد که به تعدی ساخته بود
ویران کرده بجای آن مساجد بنا کرد و در عهد او
ابتدای خروج قرامطه اکثر ولایات را گرفت
و قتل عام کرد و مکتفی جنگ کرد و ایشانرا
... آورده ...
...
و در سنه ۲۹۵ در گذشت
مدت خلافتش

۶ عام و ۷ ماه و ۲ یوم

المقتدر بالله

هو

ازتاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند ۳۴

باب ۲۱ ... بعد از ظهور اسلام

فصل ۱۹ در ذکر خلفای عباسی

المقتدر بالله ابوالفضل جعفر بن احمد کلامی داشت و منصور
... سنه ۳۱۲ ...
...
مدت خلافتش

۲۵ عام و ...

القاهر بالله ابومنصور محمد بن المعتضد حسن کلامی داشت ...
... وزارت ...
...
...
مدت خلافتش

۱ عام و ...

الراضی بالله

ابوالعباس محمد بن مقتدر در وقت خلع قاهر در زندان بود چون بخلافت نشست ابن مقله را از کنج اختفا بیرون آورده وزیر کرد و بعد از مدتی بنا بر خیانتی که از او صادر شد دست او را قطع کرد و در سنه ۳۲۹ بعلت استسقا درگذشت

مدت خلافتش [illegible]

شیخ ابوالحسن [illegible]

المتقی بالله

ابواسحق ابراهیم بن مقتدر در ایام خلافت توزون ترک او را میل کشیده از خلافت قطع کرده و بعد از آن بیست و چهار سال زنده بود

مدت خلافتش [illegible]

[illegible] عبدالله [illegible] شیخ ابوبکر عبدالله [illegible]

۳۵

[illegible] از شاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کردند

۲۲

[illegible] که چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۲

[illegible] در ذکر خلفای عباسی

المستکفی بالله

ابوالقسم عبدالله بن المکتفی چون توزون متقی را میل کشید با مستکفی بیعت کرد و در چهل و یک سالگی بخلافت نشست و او در ایام تحکم میخواره بود و در ایام توزون [illegible] وفات نمود و در سنه [illegible] احمد معزالدوله بر بغداد [illegible] او را گرفت و میل کشید که کفران نعمت کرد

مدت خلافتش [illegible]

المطیع بالله

ابوالقسم فضل بن جعفر المقتدر بر تخت خلافت نشست و در آخر عمر بسبب ضعف از خلافت خلع کرده و [illegible] داشت و خلافت بر [illegible] طایع لله داد

مدت خلافتش [illegible]

شیخ ابوعلی [illegible] شیخ ابوسعید احمد بن [illegible] شیخ ابوعمرو محمد بن ابراهیم [illegible] شیخ ابوالحسن [illegible]

الطائع لله

ابوبکر عبدالکریم بن المطیع بالله در سنه ۳۶۳ [illegible]
بیعت کردند [illegible] ماه از خلافت او بکر [illegible] شد
و ایالت [illegible] بهاء الدوله داد
مدت خلافتش

مشایخ [illegible] شیخ ابوالقاسم [illegible] شیخ ابوعبدالله [illegible] شیخ ابوعثمان مغربی [illegible] شیخ ابوالحسن [illegible]

[illegible] سال [illegible] ماه

القادر بالله

ابوالعباس احمد بن عباس [illegible] در ماه رمضان [illegible] بغداد خطبه بنام او خواندند و در سنه [illegible] فوت شد
مدت خلافتش

[illegible] سال و [illegible] ماه و [illegible]

القائم بامر الله

ابوجعفر عبدالله بن احمد القادر در ایام خلافت او آل بویه انقراض یافت ملک [illegible] سلجوقیه مشغول شد
و در ان ایام در عراق عرب [illegible] اعادات [illegible]
[illegible]
[illegible]
و اکثر [illegible] در سنه ۴۲۷ وفات یافت
مدت خلافتش

[illegible] سال [illegible] ماه

المقتدی بامر الله

ابوالقاسم عبدالله بن ابوالقاسم [illegible] بعد از جد خود خلیفه شد
در [illegible] خلافت او [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و مقتدی در سنه ۴۸۷ وفات یافت
مدت خلافتش

[illegible] سال [illegible] ماه

۳۶
ابتداء [illegible] عجم که در ملک ایران [illegible]
۲۳
[illegible] بعد از ظهور اسلام
۲۱
در ذکر خلفای بنی عباس

المستظهر بالله

ابوالعباس احمد بن المقتدی در روز فوت مقتدی [illegible]
[illegible] ملکشاه سلجوقی که در [illegible]
بیعت کردند و در ایام او [illegible] حسن صباح [illegible]
[illegible] در ان ایام [illegible]
و در ان سال [illegible]
مدت خلافتش

[illegible] سال [illegible] ماه

المسترشد بالله

ابومنصور بن [illegible] المستظهر در روز فوت
پدر [illegible] بیعت کردند و در سنه ۵۲۹ [illegible] کشته شد
مدت خلافتش

[illegible] سال ۵۰۷

الراشد بالله

ابوجعفر منصور بن المسترشد [illegible]
[illegible] مسعود [illegible]
و در [illegible] خلیفه [illegible] مسعود [illegible]
[illegible] محمود [illegible]
خطبه بنام او [illegible]
مدت خلافتش [illegible]

المقتفی بامر الله

ابوعبدالله بن محمد [illegible] و در ان ایام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در ان [illegible] و در سنه ۵۵۵ [illegible]
مدت خلافتش

[illegible] سال [illegible] ماه [illegible]

المستنجد بالله ... الناصر لدین الله

المستنجد بالله

ابوالمظفر یوسف بن محمد بعد از پدر خلافت یافت
در بلاد شام و جزیره و غیره زلزله واقع شد که اکثر
عمارات دمشق منهدم شد و هر کس فرار نموده
بموضعی میرفت و در آن موضع نیز قضیه روی میداد
و در ۵۶۶ وفات یافت
مدت خلافتش
یازده سال و
یکماه

المستضیء بالله

ابو محمد الحسن بعد از پدر خلافت یافت قریب بهزار نفر مردم
بنجف اشرف ... در ۵۷۵ ... رحلت ...
مدت خلافتش
نه سال و
نه ماه

الناصر لدین الله

ابوالعباس احمد بن الحسن بعد از پدر خلافت متمکن شد
مع شرارت نفس ... در ایام او ... مشرف شد و بسیاری ... اراذل
در رساله ... امر ... اطلاع ... مساجد و ...
بسیار ... در زمان او سلطان قطب الدین
... که ... شیخ بهاء الدین
شهروردی ... در رساله ... جمع ... خواجه ... الاسلام
... خطبه
در نهایت فصاحت و بلاغت در شأن خلیفه ...
سلطان ... بگرفت ...
... خلیفه ... در عقبه
جیحون ... که ... لشکر ... و چهار ماه ... شد
... تاتار گرفتار ... و در ۶۲۲
با خر ... در گذشت
مدت خلافتش
... سال و
... ماه

الظاهر بامر الله

محمد ابو نصر بالله ولیعهد پدر بود و در زندان گذرانید و در زمان
بیعت ... که ابوبکر از عمر عبدالعزیز خلیفه
بعد الف ... در ... خلافت نشست و در ۶۲۳
در گذشت
مدت خلافتش
نه ماه و
... یوم

المستنصر بالله

ابو جعفر منصور بن الظاهر بعد از پدر بخلافت نشسته مدرسه‌ای
در ... بنا کرد ... که ... طلبه علوم
را ... در ... دار ... تمام
... قرار ... را آنموضع ...
در محلات ... قرار ... در ... انواع اطعمه
... و مفرش ... طلا و نقره بطریق
... و ... گردیده ... شد
... روزی ...
... عمر ...
... ششم ... خنده ... گفت
روزی ... که ... مانده ...
... و در ۶۴۰
وفات یافت
مدت خلافتش
... سال و
... ماه

تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند ۳۲

طبقه ۲۴
ملوک ... بعد از ظهور اسلام

... ۲۲
... در ... خلفای بنی عباس

المستعصم بالله

ابو احمد عبدالله بن المستنصر او سی و هفتم خلیفه
و از صلحای عباسیه بتجبر و تکبر و کثرت اموال و
نفایس و زر مسکوک و جواهر و زر گرانمایه ممتاز بود و
در ایام دولت او بنای ضعف روی نمود و در ۶۴۲
منصب وزارت با بن علقمی داد و در ۶۵۴
دجله طغیان کرد اکثر محلات بغداد خراب شد
و در ۶۵۰ هلاکو خان از شرق بقصد غرب شد
و در ۶۵۴ تسخیر مجموع قلاع رودبار را در تحت تصرف
در آورد و بعد از آن بمشورت خواجه
نصیرالدین محمد طوسی بقصد بغداد شد و بران محلات
استیلا یافته خلیفه را با پسران و چند هزار کس
مقتول ساخت
مدت خلافتش

۱۶ سال
و ... ماه

سیم در ذکر پادشاهان مغول

ابواب پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

۲۰

فصل

جمله چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر پادشاهان مغول که لوای کشورستانی برافراشته اند اصل ایشان
ایافث بن نوح است مغولان ما شاء الله ... بنجه خان که بعد از ... برکان از فرزندان
اوست و دو پسر داشت مغولان و مغولان اورا بالوخان خواندند و او را چهار پسر بود قراخان و
اورخان و کرخان و کوجک خان قراخان را پسری بود اغوز نام و مغولان او را اغوز خوانند
چون اغوز از پادشاهان ... تا ... کلمه شهادت مشغف شد اورا ... و بعد از مغول و ...
تهار ... در ... آن ... و در عهد ... تور پادشاه ... که ده از قوم اغوز
و کس ... تگور و دیگری قیان نام داشت ... و ... از ... بسیار ...
... ایشان ... فرزندان ... و ... بسیار ... جمع شده و بعضی
این تگور و قیان ... بعد ... ایشان ... فرزندان ...
رسول صلی الله علیه و آله ... که از ... در ... و در ...
... الانقواده ... که ... دیگر ... و ... پادشاه ...
... واقف ... و ... خطا ... از و
داد ... آورد که ... نام داشت ... چنگیز خان ... و
نود و هفت ... پادشاهی کرده اند ... در ایران سلطنت کرده اند

۲۰ ...

از ابتدای سلطنت چنگیز خان تا سلطان ... بن سلطان ... اویس
... تواریخ در ممالک ... که در ایران ... مدت ...

مدت سلطنت ...
... که در ایران سلطنت کرده اند ... عم

هو

مبحث

اسامی پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت نموده‌اند

فصل

جدول چهارم از بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای الجنگیز خان

فصل چنگیزیه مغول

چنگیز خان

بن یسوکای بهادر بن برتان بن قبل خان بن تومنه بن
بایسنقر بن قیدو بن توقا بن جلوم بن تورنجه بن
الانقوا که در اول معاصر بود ولادتش در ... ذیقعده
۵۴۰ ... سیزده سالگی رسید پدرش فوت شد
قوم تورکان که در حکم پدرش بودند از او گشته او را تنها
گذاشتند و او تا سی سالگی زحمتها کشید ... دولت یار
و در زمان او خیر حکمت بود ... اقوام ... دیگر
سالگی سرداری قوم رسید و اقوام دیگر را در حکم خود
در آورد و در چهل سالگی ... خان ... کرده ... لقب
... طریق ... نمود
و چهل دختر ... خصومت شد و در ۵۹۹ ...
... شد ... او اطلاق ... و در ۶۰۳ ...
عطا ... خان پادشاه قوم ... سال ... که ... ممالک
مغول و ... ملک توران ... و ... مستولی
شد و با ایران ... سلطان محمد خوارزمشاه صلح
کرد ... خوارزمشاه ... از ... میان ایشان
خصومت شد و در ۶۱۵ ... ایران ... اینجا

اوکتای قاآن

خان بعد از پدرش چنگیز خان ... پادشاه شد
... شد و در ۶۲۶ ... که
کرده ... در عهد او ...
... عطا ... صد باره
صد هزار ... در ... چنگیز خان
... از ... عرض
در آن ... سال ... چهار ... او
در ایام چنگیز خان ... که ... ایران ما
اوکتای قاآن گفته ... سلطان ... در فلان
ممالک ... جواب
کی ... که ... نام
حسنی ... داده و در ۶۲۷
... شد ... ولایات ... گرفته
و در ۶۲۸ سلطان جلال الدین خوارزمشاه را
خوارزمشاه ... تیمور را
بحکومت ایران ... تا در ۶۳۳ ... حاکم بود
و بعد از آن ... اوغوان ... شد

بجنگ ... و در سنه ٤١٢ بلاد ایران را مسخر نمود و عسکر الطلب ده سال باستقلال حکومت نمود و چون هلاکوخان بایران آمد
خوارزمشاه در سنه ... ایشان در ایران قتل عام کرد همچنان حکومت بار عراق ... و در زمان الغای
از سلامند غزان تومان ... و بعد از آن خان در گذشت و اوکتای قاآن در رجب جمادی الآخر
خوارزم ... چون گذشت و تمامی خراسان ... سنه ۲۹ از افراط شراب در گذشت
و بلاد ایران را مسخر کرده قتل عام عجب ... مدت حکومتش
و در سنه ۲۱ از ایران مراجعت کرد و در رمضان
سنه ۲۳ در گذشت [illegible]
مدت ملکش ...

[illegible]
و ... [illegible]

غ عام ... غ عام

٤٠

از ابتدای پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۲۲

سالها ... واقعه بعد از ظهور اسلام

۳۰

در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدا از الجه خان

... یکی

بعد ... حکومت چهار سال ... منکو قاآن
بن تولی خان ... پادشاهی ... بعد از عم ...
کرد با کیوک خان در سنه ٦٤٣ پادشاه گردید و ... سال پادشاهی ...
پادشاه بخشنده بود ... قتل و ... هلاکو خان ... شرق و غرب عالم
مدت حکمش ... بجهان ... سنجر ... در سنه ٦٥٢ ...
حمد عام ... عظیم ... خراسان ...
و ... استخلاص ... گرده در ...
مدت ملکش ... عام

... هلاکو خان ...
بن تولی خان بن چنگیز خان ... و ... هلاکو خان برادر ... قتل
... در سنه ... ان پادشاهی ... عام ...
با ایران ... در سنه ٦٥٣ ... پادشاهی ... خان
کرد و ... پادشاه اسمعیلیه ... در سنه ٦٥٤ ... در سنه
از قلعه میمون ... هلاکو خان ... مقام
... قهر و ... عام ...
پس هلاکو خان ... در سنه ۷۶٤ ...
و گرد ... قتل عام ... در سنه ٦٦٣ ...

از ملاحده با پسر خورشاه خروج کرده و لشکر فرستاده

قلعه الموت را خراب کرده ان اسماعیلیان را کشته و در سال

در اصلاح و خرس زلزله عظیم شد و در سنه ... قید

قدار پادشاه مصر و شام بروم رفت ...

جنگ کرده ... لشکر

... فارس ... گرده ...

سنه ... منکو تیمور ... جنگ ...

عزیمت همدان نموده در گذشت و شهزاده منکو تیمور در

سنه ٦٨١ ... در گذشت و در نهم شهر ذی الحجه سنه

الفای خان در گذشت

هر ... تکس

[illegible]

هو

٣٧

ارابع احوال پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

٣٨

فصل چهارم در دفعه بعد از ظهور اسلام

٣٩

قسم ... در ذکر پادشاهان مغول

٤٠

... ابجد ...

ذکر مغول

خان ... از ... پادشاه ... خان بن ... القاآن بن الاکو خان ...

ارغون خان ... خواجه شمس الدین صاحب دیوان ...

... سنه ٦٨٣ ...

... خان ... در ربیع الاول سنه ٦٨١ ... خواجه شمس الدین ... سنه ٦٨٥ ... ایران ...

... جلال الدین ... سنه ٦٨٧

صاحب دیوان ... سنه ٦٨٣ ... ملک جلال الدین ...

[illegible]

ارغون ... سنه ...

[illegible]

کیخاتو خان

بن اباقا خان بعد از برادر ارغون پادشاه شد و وزارت
به صاحب سعید خواجه صدر الدین احمد خالدی داد و در سنه
۶۹۲ [illegible] پادشاه و در کرم جهان و جهان کرم بود
کیخاتو خان امیر طوغاجار [illegible] در سنه ۶۹۱
[illegible] امرا که در [illegible] ارغون کشته بودند
بایدو خان بن طرقای بن هلاکو خان خروج
کرده امرا و ارکان دولت کیخاتو خان [illegible]
[illegible] بایدو [illegible]
بایدو [illegible] کیخاتو [illegible]
[illegible] او را [illegible] کرفته [illegible]
[illegible]
مدت ملکش [illegible]

بایدو خان

بن طرقای بن هلاکو خان بعد از عم [illegible] پادشاه شد
و وزارت به خواجه صدر الدین [illegible] داد و غازان
خان [illegible] کرده [illegible] خواجه صدر الدین
احمد خالدی [illegible] بایدو [illegible] و دیکران [illegible]
[illegible] غازان خان [illegible] بایدو [illegible]
آخر قرار بر آن شد که ولایت عراق عرب و دیار
بکر و آذربایجان و اران و ارمن و کرجستان و روم از بایدو
خان و عراق عجم و فارس [illegible] و خوزستان
و کردستان [illegible] غازان [illegible]
بایدو از عهد برکشت [illegible] قصد غازان کند
[illegible] لشکر کرد بایدو [illegible]
[illegible] طغاجار [illegible] لشکر بایدو [illegible]
غازان [illegible] بایدو [illegible] غازان [illegible]
غازان [illegible] او را کرفته در سنه ۶۹۴ [illegible]
مدت ملکش [illegible]

هو

۳۴۲

لتاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۲۹

[illegible] بعد از ظهور اسلام

[illegible] پادشاهان مغول

[illegible]

غازان خان

[illegible] بن ارغون خان بعد از [illegible] در ذیحجه سنه ۶۹۴ [illegible] محمد بن ارغون خان [illegible] خروج
[illegible] امیر نوروز [illegible] در ذیحجه [illegible] بر تخت
[illegible] تقویت دین اسلام کوشید [illegible] خراب [illegible] مغول [illegible]
[illegible] شد [illegible] جهار شنبه سنه ۷۰۳ ابوسعید بهادر خان متولد
[illegible] در سنه ۶۹۵ [illegible] جنک کرده [illegible] و در ذیحجه سنه ۷۰۵ سلطان [illegible]
[illegible] وزارت به خواجه جلال الدین [illegible] سلطانیه [illegible]
[illegible] خواجه صدر الدین [illegible] و در سنه ۷۱۱ خواجه سعد الدین [illegible]
[illegible] در قزوین [illegible] جلال الدین [illegible] خواجه [illegible]
[illegible] خواجه [illegible] رشید الدین [illegible]
[illegible] سنه ۷۱۱ تاج الدین [illegible]
[illegible] خواجه [illegible]
[illegible] سنه ۶۹۷ [illegible] خواجه علیشاه [illegible]
خواجه صدر الدین [illegible] خواجه رشید [illegible]
[illegible] غازان [illegible] شوال سنه ۷۰۳ [illegible] شوال سنه ۷۱۶ [illegible] سلطانیه
[illegible] قزوین [illegible]
[illegible] مدت ملکش [illegible]

[illegible]

[illegible]

ان ... وصلی که معاصر او بوده
مولانا ... هبت الله
فخرالدین ... مولانا ... شمس الدین
کمال الدین ... عبدالرحمن
کمال الدین
معاصر او بوده ... مولانا ... عبدالله
مولانا ... نصیر الدین محمد
جمال الدین ... عراق ... ماله
شمس الدین ... داود
محمد ... عبدالرحمن ... اولاد
... سلطان ... اول ... معاد
کار او ... باره
شاه ... صفر ... سید
... کار او با مره
... غازان ... الغیاث ...
شیخ ... والد ... القانون
... سلطان ... م
وصی ... خرجی ... السبل
السید

هو

۱۴۲

مقصد
از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند از

قسم ۳
بعد از ظهور اسلام

فصل ۴
سیم در ذکر پادشاهان مغول

فرع ۴
از ابتدا ابوسعید خان

ابو سعید بهادر خان بن الجایتو خان سلطان محمد خدابنده بعد از وفات پدر از خراسان رسیده با امیر چوپان
عزیمت عراق کرده در سلطانیه بر تخت پادشاهی نشست ... سال ... ملک با امیر چوپان
معوض شد در آن سال خواجه رشید ... وزارت ... سلطان ... از جانب
رشید ... سال ... در شهر ربیع الاول ... ۷۱۹ ... عظیم ... آورده
... در آن جنگ ... بهادر خان ...
لقب ... در ۲۰ شهر رجب ۷۱۹ خواجه علیشاه ... و اوجان ... وزارت ... شهر
امیر ... نام ... کشته ... کرده وزارت ملک ناصر الدین ...
امیر چوپان ... وزارت ... کار ...
او ... کار ... خواجه ... پادشاه ... امیر چوپان و دمشق خواجه ... کمال
کرد امیر چوپان ... او را همراه ... وزارت ... خواجه ...
امیر چوپان ... قتل ... سلطان
محمود ... کرده ... شهر شوال ۷۲۷
او را ... که امیر چوپان در خراسان ... ایشان ... دمشق خواجه ...
در سلطانیه کشته ... امیر چوپان ... امرا ...
شد ... عوض دمشق خواجه ... امیر چوپان با لشکر فراوان عازم
عراق گشت ... پادشاه ... سلطانیه با لشکر فراوان ... پادشاه ...
و امیر چوپان ... امرا ... آمدند

امیر جهان چون واقف شد فرار نمود فرزندان او که در علامت ... امر وزارت
و سرداری شغال ... بعد از ... جهان ... شور و ... انجمن گشت و وزارت
شمس الدین محمد بن نظام الحسینی الرومی قرار گرفت
مدت ملکش ... ... عام

کمال الدین ... صدر بود
صدر الدین ... الحسینی ...
شرف الدین ... جمال
شرف الدین ... قزوینی
علاء الدین ...
قطب الدین ... ساوی
... حاجب
عمر بن ... الدین ...
... الله ... شاکر
عبد الرزاق
... مسعود
نصر الدین اسعد ...
جلال الدین ... مصنف
... ابن اسدالله
عمر ...
... صاحب ...

... ان

لامع ... سلاطین عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند
... بعد از ظهور اسلام
در ذکر پادشاهان مغول
... استیلای چنگیزخان

... که بعد از سلطان ابو سعید ... کرده ... حضرت ... محکوم ...
... در ... مشهور و سلطنت ... سال ... بود

... بعد از فوت ابو سعید خان ... ارباب ... سال
بر تخت خانی نشست ... امرا ... حضرت ... سال ... و ...
... احتمال ... ... در ... اتصال ... عزم
... ... سلطان ... ملک ابو سعید ارباب داد
... نعمت ارباب داد

... نفران

... بن ... بدو ... بعد از ... سال ... جهان ...
... نشسته ... نشسته ... امیر شیخ ...
... امیر شیخ ... ... و ... سلطنت
... او ... داد ... ... سلطان ابو سعید
... گرفته ... ...
... محمد ... ...
... حسن ... ...

نقل ... نقل

شاه [illegible] بیگ محمود [illegible] نصرت [illegible] امیر [illegible] جهان بعد
[illegible] سلطنت و عزم [illegible] ابن [illegible] [illegible] صلح کرد

جهان تیمور
وهابا

نصرالت

جهانشاه میرزا بن [illegible] بیگ [illegible] بن تیمور
بن امیر [illegible] امیر [illegible] ایلکانی [illegible] تاش بن جهان [illegible] الحکومت
بر تخت [illegible] میرزا [illegible] کرده در [illegible]
[illegible] در سنه ۸۳۹ سلطان
[illegible] که از اولاد [illegible] کوفی [illegible]
بپادشاهی [illegible] کزیدند

نصر

المظفر [illegible] ملک [illegible] ان

[illegible] عام

[illegible] ان

محمد

۴۶۵
اول ربع از شاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
۳۲
صحیفه [illegible] چهار دفعه بعد از ظهور اسلام
۸
سیم در ذکر پادشاهان مغول
۸
از ابتدا سلطنت [illegible]

سلطان اویس [illegible]

اویس بن شیخ حسن ایلکانی در سنه [illegible] امیر محمد مظفر
از تبریز [illegible] لشکر [illegible] برادر [illegible]
و در سنه [illegible] در تبریز [illegible] [illegible] هزار
[illegible] بعزم [illegible] در سنه [illegible] امیر [illegible]
جرجان [illegible] [illegible] دست
[illegible] در سنه ۷۷۰ [illegible] سلطان
اویس ایام [illegible] راه عدم
[illegible] در سنه [illegible] [illegible] هزار [illegible]
در ربیع [illegible] و در [illegible] جمادی الاخر
سنه ۷۷۶ سلطان اویس بعالم بقا شتافت
مدت ملکش [illegible]

سلطان حسین

حسین بن سلطان اویس در همان ایام [illegible]
وفات [illegible] باتفاق امرا در تبریز [illegible] رسید
سلطنت [illegible] در اوایل سنه ۷۷۷ [illegible]
[illegible] و [illegible] را [illegible]
[illegible] قلاع [illegible] فتح نمود و در صفر سنه ۷۸۴ برادر سلطان
حسین [illegible]
[illegible] مدت ملکش

[illegible] عام

حو

از رابع پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۴۴

فصل چهارم در ذکر طوایف [illegible] بعد از ظهور اسلام

قسم سیم در ذکر پادشاهان مغول

۱۰ فق

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم امیر تیمور تا انقراض دولت امیرزاده الوند
و از امیر تیمور از یکیه خاتون در خانه طرغای بیک متولد شده و مسند سلطنت ایشان از تیمور بیست
[illegible] ماه [illegible]

صاحبقران اعظم امیر تیمور گورکان در سنه ۸۳ تمامی خراسان مسخر کرده در سنه ۸۵
سیستان و قندهار را تصرف نموده و در سنه ۸۶ امیر ولی را مقهور گردانیده در استراباد
لوای جهانگیری افراشت و در سنه ۸۸ عراق و فارس و آذربایجان مسخر کرده و از آنجا بدشت
قبچاق شتافت و در رجب سنه ۹۳ در موضع قندزچه با تقتمش خان جنگ کرده
او را منهزم نمود و در سنه ۹۴ مهم حکام مازندران و آل مظفر و سایر ولایات عراق
و دیار بکر بر نهج دلخواه ساخت و در جمادی الاول سنه ۹۷ از راه دربند بدشت
قبچاق خرامیده بار دیگر با تقتمش خان مقاتله نموده او را مستاصل گردانید و در بهار سنه ۹۸
از همان سال بار دیگر کشته آلات آن ممالک را امیرزاده میرانشاه تفویض کرده بسمرقند
رفت و در سنه ۹۹ ولایت خراسان را با میرزا شاهرخ سپرد و در سنه ۸۰۰ میل غزا
و جهاد نموده لشکر بهند و کشمیر کشید و در روز دوشنبه هفتم ربیع الآخر بظاهر
دهلی سه شنبه میان لشکر و سلطان محمود و ملو خان حاکم ولایات جنگ عظیم وقوع
انجامید نسیم فتح و فیروزی بر شقه رایات وزید و در سنه ۸۰۱ شهر شعبان
در سمرقند نزول نمود و در ششم شهر محرم سنه ۸۰۲ بعزم یورش هفت ساله باز در کار
آورده از توران بایران تصمیم نمود و در اواسط شهر جمادی الاول سنه ۸۰۳ در ظاهر

ابتدای سلطنت صاحبقران

دمشق پادشاه مصر ملک فرج مقابله کرده او را منهزم گردانید و تمامی بلاد شام
در حیز تسخیر کشیده از دمشق بصوب بغداد خرامید و آن خطه را از [illegible]
سلطان احمد جلایر بود انتزاع نمود و در ماه ذیحجه سنه ۸۰۳ بقتل عام فرمان داد
و در بیست و هفتم رجب سنه ۸۰۴ بعزم رزم ایلدرم بایزید سلطان روم متوجه آن مملکت شده
در حوالی انگوریه میان آنحضرت و قیصر مقاتله دست داد سپاه روم را منهزم گردانید و قیصر
اسیر سرپنجه تقدیر شد و در شهر شعبان سنه ۸۰۵ ایلدرم بایزید وفات یافت و صاحبقران
آن مملکت را به پسرش باز گذاشته عنان عزیمت بطرف دار الملک [illegible] و در سنه ۸۰۶ بطرف
[illegible] بسیاری از قلاع کافرستان را گرفت و در محرم سنه ۸۰۷ داخل سمرقند شد
و در شعبان سنه ۸۰۷ بجوار رحمت ایزدی پیوست
مدت ملکش

معاصرین و فضلا
سید علی همدانی
شمس الدین محمد حافظ شیرازی
لطف الله نیشابوری
کمال خجندی
عصمت الله
خواجه بهاء الدین نقشبند
علاء الدین عطار
جلال الدین [illegible]
سعد الدین تفتازانی
عبد الملک سمرقندی
[illegible]

هو

قسم ۴۲ از رابع پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند
فصل ۳۴
طبقه چهارم و دفعه بعد از ظهور اسلام
قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول
از ابتدای سلطنت صاحبقران

شاهرخ شجاعت و سخاوت و عبادات با ابراهیم ادهم نسبت داشت تولدش در رمضان سنه ۷۷۹
آن پادشاه عالی حسب بمسند شاهی نشست و در سنه ۸۱۱ [illegible] و در سنه ۸۱۳ [illegible]
رایت نصرت به ماوراء النهر [illegible] و در سنه ۸۱۷ مملکت فارس در حوزه دیوان قرار گرفت و در سنه ۸۲۳
ولایت کرمان را مسخر کرد و در همین سال قرا یوسف وفات یافت فتح [illegible] توقع [illegible]
جمعه بیست و سیم شهر ربیع الاول سنه ۸۳۰ احمد نامی در مسجد جامع هرات کارد [illegible]
[illegible] در همان [illegible] و در [illegible] ذیحجه سنه ۸۵۰ عنان عزیمت بصوب
آخرت انعطاف داد
مدت ملکش

در [illegible]
علما و حکما

مولانا غیاث الدین سالار کرمانی
مولانا فخر الدین
مولانا جلال الدین لطف الله
مولانا تاج الدین ابراهیم
مولانا [illegible] احمد داود
مولانا غیاث الدین [illegible]
مولانا شمس الدین محمد [illegible]
مولانا عبد الحی [illegible]
مولانا سید [illegible]
مولانا شمس الدین [illegible]

ولد و شعرا
سادات و شعرا

حافظ مولانا جعفر — ابونصر — شمس الدین — فخرالدین محمد اعرابی — محمد بخاری

مولانا جلال الدین لوهی — نورالدین نعمة الله — اروی — الخوافی

مولانا ابوالفوارس خوارزمی — جمال الدین خوارزمی — صدرالدین محمد — شاه نقاش الانوار

مولانا فصیح الدین محمد — مولانا جلال الدین — مولانا صدرالدین محمد — مولانا جلال الدین محمد

ابو سعید — حافظ عبدالقادر — نورالدین جرجانی — مولانا شمس الدین محمد

قوام الدین معمار — مولانا عماد الدین — مولانا شرف الدین علی یزدی — مولانا عبدالرحمن

مولانا جلال الدین — مرتضی صحاف — مولانا کاتبی نیشابوری — سودائی

مولانا محمود عارف — مولانا جعفر تبریزی — سهاب الدین — حافظ ابوالفتح

حافظ محمد اصغر — علاء الدوله — مولانا علی شهاب تبریزی — آذری

شاه ولد — یوسف امیدی — مولانا شرف الدین رضا اسفراینی — حافظ صدرالدین

شاه زاده بایسنقر

الغ بیک

هو

۱۴۸

از تاریخ ایران تاریخ عجم که در ملوک ایران سلطنت کرده اند

۳۰

از ماه جهار دفعه بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر ایران ملوک مغول

از ابتداء سلطنت صاحبقران

الغ بیک

الغ بیک که محمد طغرای بادشاهی توقیع فضیلت و هنر پروری آراسته مثل او سر و ری با این کمال بر تخت نشسته و در سنه ۸۱۲ والی ماوراءالنهر شده و در سمرقند مدارس و خانقاه با تمام رسانیده و در سمرقند رصدی باتفاق قاضی زاده رومی و مولانا غیاث الدین جمشید و مولانا معین الدین کاشی اتمام رسانیده و زیج گورکانی گویند و تقاویم الوان از آن زیج استخراج میکنند بعد از استماع خبر وفات خاقان سعید جهانگشای بصوب خراسان برافراشت و خراسان را فتح نموده بر میرزا علاء الدوله غلبه کرد اما نگاه نتوانست داشت و در سنه ۸۵۳ پسرش میرزا عبداللطیف او را بقتل رسانیده عباس نامی او را کشته عباس کشت تاریخ شده

مدت ملکش

عبداللطیف

ایام حکم و ۷ ماه

عبداللطیف از شاهان لطیف طبع و حدت ذهن موصوف در سمرقند بر مسند سلطنت نشسته بعد از قتل پدر خلاف کرده و در روز جمعه بقرات خطبه و اسم شریف سرداشت و جمعی از امرا که نسبت با حضرت کار آورده بودند در مجلس طلب شده بقتل رسانید از آنجمله نوکران میرزا الغ بیک و میرزا عبدالعزیز در مقام استیصال او شورت نموده در سلخ با غ او را بقتل رسانیده به تیر انداز و با بابا حسین میرزا او را اعدا کرده در پیش طاق مدرسه میرزا الغ بیک او را بخشیدند با بابا حسین کشت تاریخ شد

مدت ملکش ۷ ماه

ابوالقاسم بابر میرزا علاء الدوله با برادر خود جنگ کرده او را در سنه ۸۵۰ برتبت آورده بمیل کشیده اشخص ترحم نموده چشم او را ضایع نکرد دیگر بار دغدغه که از میرزا ابراهیم سلطان داشت عازم استرآباد شد و میرزا محمد از فارس عازم خراسان شده در استرآباد میان فریقین دست داده سلطان محمد

میرزا عبدالله برادر میرزا ابراهیم سلطان
برادر محمد

عبداللطیف — عبدالعزیز — عبدالرحمن — عبدالله

۷ ماه

۱۴۸

هو

۴۹

مبحث اربع از ابواب باب عجم در ملک ایران سلطنت کرده اند

۳۶

فصل چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

۱۲

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

۴

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم

۵۲۳

شاه محمود و میرزا سلطان ابراهیم و میرزا ابوسعید و میرزا جهانشاه و هر یک از ایشان سلطنت کرده اند و بعد از آن که در محملکی استیلا یافته لوای حشمت برافراشته و بر موجب سلطنت ایشان مشهود

۸۶۱

لاد نصر

شاه محمود و میرزا سلطان ابراهیم

نظران

شاه محمود بعد از میرزا بابر در سن یازده سالگی بر تخت سلطان ابراهیم در صباح سه شنبه ... رجب ۸۶۱ نشست و خبر رسید که سلطان ابراهیم بکنار آب نزدیک باغ ... رسیده میرزا شاه محمود فرار اختیار نمود مشهد میرزا رسید جمع کثیری بر سر او جمعیت نموده از استماع آوردن و میرزا ابراهیم قدم بر سریر سلطنت آباد و اجداد نهاد و بعد ازچند روز روانه مشهد مقدس شد میرزا شاه محمود لشکری ... میرزا شاه محمود ابلغار کرده در ... ماه جمادی الاول ۸۶۱ که در باغ مختار نزول نموده در بین این ... رسید که میرزا ابراهیم جمع آورده در قصد کیوان ... با جمع کثیری متوجه هرات شده ساران که امیر ... بر ... و تیغ و سنان در میدان ناخته و میرزا شاه محمود را معلول میرزا شاه محمود با باغ بعد از ... حالی ... قاضی قطب الدین ... گشته کی از ... مشهد ... و ازاکی ... احمد با ... گوهرشاد آغا قلعه و شهر را ... و با ضررا ... میکرد ... میرزا ابراهیم لشکری جمع ساخت و ... میرزا شاه محمود ... میرزا ابراهیم فرار نمود آورده ... میرزا شاه محمود ... روانه ... بجرجان شتافت ... لشکری فراهم آورده اراده حرب شده و در ... غافل ... میرزا ابراهیم داشت که خبر رسید وصول میرزا ... میرزا ... با سپاه عراق متوجه شد فرار نمود ... و دولت ... هرات شده ... و با میرزا ابوسعید صلح کرده ... علاء الدوله از ... تفنجاق بهرات ... در کنار

نصر

صاحبقران بن ... ۸۵۹ ... ۸۶۲

اسیر و کشته شد و در ۸۵۷ لشکر میرزا علاء الدوله لشکری فراهم آورده اراده سلطنت داشت لشکریان با سپاهی او را شکست دادند فرار بر قرار اختیار نموده و در ۸۶۹ ... عازم مشهد مقدس شد و در مشهد دلیرانه ... موسیاحین نظر ... میرزا ... اعتبار از جمیع ... اینهمه ... طاق ... شمه ... میرزا ... سنه ... ربیع الاول ۸۶۱ عازم الکه ... شد ناگاه ... ۸۶۱ ... جمادی الاول ... میرزا شکست ...

بجانب میرزا ابراهیم استقبال نمودند و به
یکدیگر را دریافتند و میرزا علاء الدوله چند روزی در
هرات بعیش و نوش مشغول بود چون خبر توجه میرزا جهانشاه
شنید فرار نمود

جهانشاه

هو

سمت [illegible]

از رابع پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

ها[illegible] چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم

شاهمحمود و [illegible]

جهانشاه در روز سه شنبه ۲۵ شهر محرم الحرام سنه ۸۶۲ در ملک خراسان متمکن
شده و از آنجا به عراق آمده و با لشکر [illegible] دارالسلطنه هرات گردید خبر میرزا سلطان
ابراهیم حرکت [illegible] میرزا علاء الدوله با سپاه در حوالی هرات
کرده بتاریخ غره شهر شعبان سنه ۸۶۱ [illegible] میرزا علاء الدوله و میرزا ابراهیم
زایل و میرزا ابراهیم گرفتار شد بوساطت امیر عبدالله ترخان [illegible] و میرزا جهانشاه
میرزا علاء الدوله را [illegible] در وسط [illegible] ابوسعید [illegible] حرب میرزا
جهانشاه خراسان را [illegible] میرزا ابوسعید گذاشته روانه عراق شد و در سنه ۸۷۲ در [illegible]
میرزا ابوبکر ولد او [illegible] با والده او [illegible] و میرزا
جهانشاه ایران [illegible] میرزاده [illegible] داده
میرزا ابوبکر در [illegible] متعرض احوال میرزا جهانشاه شد و در سنه ۸
میرزا جهانشاه [illegible] میرزا ابوبکر [illegible] میرزا جهانشاه
محمدی [illegible] امیر حسن بیگ [illegible]
امیر حسن بیگ [illegible] شدند [illegible]
[illegible] متفرق شدند و حسن بیگ با [illegible] هزار سوار [illegible] محمدی و یوسف [illegible]
و میرزا جهانشاه فرار نموده [illegible] اسکندر نام شخصی مجهول القدر [illegible] و حسن بیگ محمدی [illegible]
میرزا یوسف [illegible] شد

۵۱

از انواع پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۳۱

جیم چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۱۴

سیم فرد دیگر پادشاهان مغول

ع

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم

۳

شاه محمود بهادر

ابو سعید از ابتدای جلوس در یکی سیم قند بجهت آرزوی هرات در خاطر داشت تا اگر خبر فوت رسید
میرزا بابر شنیده در روز سیم بهر سال داخل هرات شد و مهد علیا گوهرشاد آغا را
بسبب برگان و مفسدان بقتل رسانید در این اثنا خبر خروج اولاد میرزا عبداللطیف شنیده روانه ج
شد و ما میرزا احمد ولد میرزا عبداللطیف بر خواهر او را بقتل رسانیده و باز متوجه هرات شد و خراسان
از میرزا جهانشاه بگرفت و در دار السلطنه هرات نزول نموده لشکریان را از فتنه رفت از قصبه کار استار
و میرزا علاء الدوله و میرزا ابراهیم سیم فرصت یافته لشکر بر سر میرزا ابوسعید او را بعد میرزا ابوسعید مظفر شد
میرزا علاء الدوله با ولد فرار نموده حصار تیره گوته سنجر میرزا ابوسعید در آمد و از آنجا که بجرجان رفت
ملک از دست میرزا سلطان حسین بگرفت و تولد خود میرزا سلطان محمد عنایت نمود و میرزا علاء
الدوله در خارج ملک ستمه در گذشت و سلطان حسین میرزا الحرار میرزا ابوسعید جرجان
فتح نموده روانه هرات شد قلعه را قبل کرده چون خبر وصول میرزا ابوسعید شنید براه
جرجان رفت میرزا ابوسعید تعاقب نموده بجرجان رفت و سلطان حسین میرزا از راه عراق
الالت جرجان بتحریر میرزا سلطان محمود معوض شد و چون داخل هرات گردید خواجه معز الدین وزیر را
در قرغان کنج اشته خون داراکی بدفع میرزا احمد جوکی روانه شاهرخیه شد و محاصره کرد
تا یکسال فتح نشد و بعد از آن میرزا محمد جوکی از روی مصالحه که بمیرزا ابوسعید آمده انگه
او را در قلعه اختیار الدین محبوس کرد و آنجا در گذشت و در سنه ۸۸۰ میرزا بایسنقر متولد شد

٢

ابو سعید

و در این سال ... و در این اثنا خبر رسید که میرزا جهانشاه مقتول
و میرزا ابوسعید عازم آذربایجان شد و در اوایل شهر شعبان سنه ۸۷۲ اکثر ممالک عراق را
بحیطهٔ ضبط درآورده و امیر حسن بیگ بعد از قتل میرزا جهانشاه ایلچی بنزد میرزا ابوسعید فرستاد
در کالپوش رسیده صلعت باز ... امیر حسن بیگ روانه ... سلطان ابوسعید
ولدان میرزا جهانشاه با چند نفر ... میرزا ابوسعید شدند و در این اثنا امیر حسن بیگ
رخصت طلبیده که ... میرزا ابوسعید قبول ننموده ...
روانه شده و اراده ... میرزا ابوسعید ... در آن ... لشکر
میرزا ابوسعید متفرق شده و امیر حسن بیگ ... او را دستگیر
کرده و در شهر رجب سنه ۸۷۳ بقتل رسانیدند

هو

از اینجمله پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

طبقهٔ ۳۹

تا آخر چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم

سلطان ...
میرزا ابوسعید که معاصر او بود

...

سلطان ...
میرزا در ذیحجه سنه ۸۶۲ استرآباد را از حسین ... میرزا جهانشاه انتزاع نمود
و در سنه ۸۶۳ بعد از واقعه میرزا ابوسعید هرات ... تصرف درآورد و در سنه ۸۷۴ با یادگار
محمد در موضع ... مقاتله نموده یادگار محمد فراری و در اواخر همین سال ... مستقر شد
بهرات ... سلطان حسین میرزا ... عزیمت ... العطف
... و در ... و سیم شهر صفر بعد از چهل روز ... یادگار محمد
بجهان جاودان فرستاد و در اواخر همین سال در موضع ... با سلطان محمود میرزا
مقابله ... آمویه ... در تحت تصرف درآورد
و در سنه ۹۱۱ بعزم رزم محمد خان شیبانی که در مملکت ماوراءالنهر استیلا یافته بود روان شده و در
منزل بابا الهی در روز یازدهم ذیحجه بریاض جنان انتقال نمود
...

وزرا و شعرا

...

مولانا فضل الدین ...	حسین ...	عبدالله خطیب	شمس الدین محمد مروارید
جلال الدین قاسم	صدرالدین سلطان ابراهیم	...	عطاءالله
		نظام الملک	

شعرا

مولانا عبدالرحمن جامی — امیر علیشیر

مولانا معزالدین — خواجه افضل الدین

احمد سهیلی — خواجه عبدالله مروارید

هو

مجمل

۵۳

از پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

طبقه ۴

تا این چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

قسم سیم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدا سلطنت صاحبقران اعظم

تا سلطان ۲ حسین میرزا و عمال

سلاطین حسن بیگ و اولاد

مدت عام

[illegible]

سلطان حسن بیگ بن علی بیک بن قرا عثمان بعد از قتل جهانشاه میرزا ابو سعید گورکان
بتسخیر ملک آذربایجان آمده در دست امیر حسن بیگ بقتل رسیده ولایات اران
و آذربایجان و کردستان و ارمنستان و فارس و کرمان و عراق عرب و عجم تا سرحد
خراسان در حیز تسخیر او در آمد حسن بیگ را نسبت بدودمان صفوی بسیار ارادت
و اخلاص فراوان بود خواهر خود خدیجه بیگم را با سلطان جنید و حلیمه بیگی آغا
صبیه خود را با سلطان حیدر عقد بست و در سنه ۸۸۲ بعالم بقا رحلت کرد
مدت ملکش عام

اولاد امیر حسن بیگ مشارالیه

مدت عام

[illegible]

سلطان خلیل در زمان حیات پدر فرمانفرمای فارس بود بعد از فوت پدر بر سریر سلطنت
پادشاه شد سلطنت نهاد و دیار بکر را سلطان یعقوب برادر خود داد و از کثرت تخلف لشکری اراده
متفرق شده سلطان یعقوب متوجه شد سلطان یعقوب با لشکر گران بر سر او آمده در حد
مرند و خوی بدست یکی از لشکریان کشته شد

٥٤

در بیان پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

صنف

سلاطین چهارم و دفعه بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدا از سلطنت صاحبقران اعظم

سلطان حسین میرزا و بعضی

حسن بیگ و اولاد

اولاد امرای ایران

سلطان یعقوب دفعه

سلطان یعقوب قبل از پدر در ... فرمانفرمای ممالک گشت اعمال حسنه را با جمال و نهمه سید ال ... دور اول سلطان حیدر که داماد شروان ... بیک سال با چهار هزار نفر یکو بیک شروان ... سلطان حیدر شهید شد سلطان یعقوب سلطان علی میرزا و سید ابراهیم و شاه اسمعیل سلامه و الده اسب ... آغا شیر اربعه نزد منصور بیک پرناک محبوس نمود در ان ... سلطان در گذشت

جمعه بعد

بایسنقر بن سلطان یعقوب ... بر تخت نشسته حمیدی سیع میرزا و ولد امیر خلیل ... پادشاه بعد دور قرا باغ مقابله و مقاتله روی ... میرزا نعمت رسید اغورلو محمد میرزا ... بیک ... اتفاق افتاد بر ناک خروج نمود در ... مقابله و مقاتله واقع و اغورلو محمد گرفتار و کشته شد و میرزا بایسنقر معلم ... شاه اغر ... اتفاق

سلطان رستم ... بعد

رستم بیک بعد از فوت عم خود سیع میرزا ابن بایسنقر اعاده مدتا محبوس بود و چون ... شاه بودنی یافت و میرزا بایسنقر ... شروان شاه رفت او فرصتی ... تبریز ... محمد ادر ... عراق و ... نمود شاه دین ... برادران و والده ... نجات داده مرضحوب ... سلطان با ... مقام ...

احمد بعد

پادشاه ... اسماعیل ...

ابو ... پادشاه بعد از قتل رستم ... سلطان ... متمکن گشته ایبه سلطان ... بیک ... یلدیکر هم عهده شده احمد ... دیار ...

محمد بعد

میرزا ولد ابو ... بیک در ... پادشاه بود ... احمد پادشاه گشته شد فرار ...

سلطان یعقوب

شروان شاه و میرزا بایسنغر را در حین سلطنت علی میرزا
یکبار دیگر رسیده لشکر مخالف شروان و سلطان نعمان میرزا
به تبریز خبر رسید حاجی بایندر حاکم اصفهان سکه بنام
میرزا بایسنغر زد و بایسنغر از شروان با هزار لشکر الخ
رستم میرزا بار دیگر سلطنت نعمان میرزا را با ایبه سلطان
بجنگ فرستاد فتح نمود و بایسنغر میرزا و حاجی بایندر را
بعزم ... فرستاد و در ایام سلطنت میرزا ... شاه
در ... و ... مرحوم ... بار دیگر فرستاد
و در اخر ... و ... ایبه سلطان
... فرستاد ... سلطان نعمان میرزا را شهید کرده
و شاه ... محال ... کار کیا میرزا علی مقدم
... میرزا ... سکنا ... غربت ... نمود
و احمد پاشا ولد اغورلو محمد برادر یعقوب میرزا
بروم رفته ... پادشاه ... از جانب ... او
و ... برادر ... لشکری ... به تسخیر
تسخیر ملک ... رستم میرزا استقبال کرده در
کنار آب ... رسیدند امرا از ... رستم
رستم ... احمد پاشا ... تیر
و کمان از میان بر داشت

نفر

مراد بیگ بایندر از بیم پادشاهی بر داشت و تمامی ولایت
عراق را در تصرف آورده و در ملک ری رحل اقامت
انداخت و ایبه سلطان سپاه را در پای ... جمع
نموده بر سر او تاخت محمدی میرزا او را منهزم گردانیده
در این اثنا سلطان مراد با کوزل احمد برادر ایبه سلطان
فرار نموده به شیراز رفت و محمدی میرزا به تبریز شتافت

نفر

هو

محمد

۵۵

از احوال پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۴۳

طبقه چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

۱۸

قسم دویم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم

۴

سلطان حسین میرزا و فرزندان

... و اولاد

امرای ... اعلی

الوند بیگ ... گشته ... بار دیگر رسیده ... سلطنت بر و اطلاق کرده
میرزا در وقتی ... احمد پاشا ... آمده ... آذربایجان
لوای استظهار مرتفع گردانید و الکای ... و الوند میرزا
بحال محمدی میرزا ... برادر آگاه شده از تبریز ... و الوند میرزا
به تبریز آمده لوای سلطنت بلند گردانید و محمدی میرزا ... اصفهان ... سلطان مراد ...
خبر یافته با سپاه گران عازم اصفهان شد محمدی میرزا ... از شهر ...
برادر ... گرفتار شده و سلطان مراد و الوند میرزا ... هر کدام
بولایت خود رفتند

نفر

هو

۵۰

فهرست

از اسامی پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

۶۴۴

صفحه

تا این چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۱۵۰۶

چهارم در ذکر پادشاهان رضوان مکان ناحیه صفویه

پادشاه گیتی ستان فردوس مکان شاه اسمعیل بهادر خان انار الله برهانه شاه اسمعیل بن سلطان
حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم بن شیخ خواجه علی بن شیخ صدر الدین بن شیخ
صفی الدین اسحق بن شیخ امین الدین جبرئیل بن شیخ صالح بن سید قطب الدین بن
سید صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن سید عوض بن فیروز شاه بن محمد بن
حسین بن محمد بن ابراهیم بن جعفر بن محمد بن اسمعیل بن محمد احمد بن اعرابی بن ابو محمد
ابی القاسم حمزة بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه السلام بعد از وفات سلطان علی برادر
در لاهیجان با کارکیا میرزا علی ... دارای ... از ... در حرکت آمده با صوفیان
روانه گوکچه تنگیز شد و سلطان حسین بایقرا که از امرای میرزا جهانشاه در گوکچه
تنگیز بود از راه حیله و مکر ایلچی فرستاده اراده خدمت آن ... جهانگیری داشت اسمعیل
هنوز ... در یافته از آن روانه ... سعد ... باکه ...
... قلعه ... فتح نموده اموال و غنایم ... صوفیان ... روانه
شیروان شده ... و غارت ... در ... گلستان ... شیروانشاه
اورا ... ملک عدم گردانید ... شد و در بهاران
فتح قلعه باکو نموده ... شد و امیرزاده الوند ... جمیع ...

چهارم در ذکر پادشاهان
... صفویه

حالات اقبال شنیده با دربار کجی شتافت و در سنه ۹۱۴ بچهار باغ میرزا ابو بکر آمد و ل
نمود و از آنجا روانه عراق عرب شده بغداد و جزیره و شوشتر را فتح نمود و از آنجا روانه شیراز
و امیر یار احمد اصفهانی منصب وکالت سرافراز شد و در سنه ۹۱۵ فتح قلعه دربند نموده نعش
سلطان حیدر را بار دیگر [illegible] و در سنه ۹۱۶ عازم جنگ محمد خان شیبانی شد خلیفه [illegible]
[illegible] شرف [illegible] منصب وکالت با و متعلق شد و محمد خان شیبانی از هرات
مرو گریخته در آنجا [illegible] بوقوع پیوسته محمد خان کشته شد و در مشهد [illegible]
تاریخ [illegible] گفتند و قتل محمد خان [illegible] تاریخ [illegible]
گفتند و [illegible] سلاطین اوزبک [illegible] در سال [illegible] سکه و خطبه بنام [illegible] این سال [illegible]
و بار پادشاه به درگاه آمد [illegible] سلاطین اوزبک
از [illegible] تمرد و عصیان [illegible] تا [illegible] و در سنه ۹۱۷ شاهزاده
طهماسب میرزا متولد شد و در این سال [illegible] خان [illegible] شد و در سنه ۹۲۰
سام میرزا تولد یافت و در همین ماه رستم میرزا [illegible] چهار روز
دیگر بهرام میرزا [illegible] و در ذی الحجه سنه ۹۲۴ رستم [illegible] فتح
و در بهار سنه ۹۲۶ عبدالله خان بهرات [illegible] گشت و در این سال [illegible]
سام میرزا [illegible] و در [illegible] سنه ۹۲۸ طهماسب میرزا و امیر خان [illegible]
[illegible] شاه [illegible] و منصب امیر الامرائی بن محمد سلطان استاجلو [illegible]
بخلاصه [illegible] اصفهانی [illegible] منصب صدارت با میر جلال الدین محمد استرآبادی [illegible]
سلطان [illegible]

از رابع پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

فصل ۴۴

تا الآن بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناحیه صفویه

فصل ۲

[illegible] شاه اسمعیل

سلطان مراد بن یعقوب [illegible] در دیار بکر کشته شد و در سنه ۹۲۰ [illegible] سلطان
استاجلو [illegible] دیار [illegible] منصب امیر الامرائی [illegible] سلطان [illegible] شد
همیون [illegible] در [illegible] شیروان [illegible] و در [illegible]
و [illegible] نهم شهر رجب سنه ۹۳۰ بجوار رحمت ایزدی و فرادیس جنان انتقال فرموده
[illegible]

[illegible]

طهماسب بهادر خان	میرزا	میرزا	میرزا
الله برهانه			

[illegible] سادات عظام و فضلاء کرام و شعرا که معاصر آنحضرت بوده اند

صدر الدین محمد	غیاث الدین منصور	مولانا جلال الدین	مولانا [illegible] سعید
مولانا ابو زید	مولانا شرف الدین علی	[illegible] عبدالله	مولانا اهلی شیرازی
نعمت الله ثانی	تاج الدین [illegible]	قاضی میر حسین یزدی	غیاث الدین محمد
قوام الدین اصفهانی	قوام الدین حسین	[illegible] الدین محمد	مولانا نور الدین

اسمعیل شنب غازانی	عبدالوهاب	صفی الله	قاضی شاعر
قاضی مسیح	الله بهزادی	مولانا عبدالصمد	مولانا [illegible] قباد
علاء الدین	مولانا حسین	ابراهیم علی	محمد
زین الدین علی	شمس الدین	قاضی ضیاء الدین	قاضی نور الدین عبدالله
درویش دهباشی	مولانا شهیدی	مولانا شمس الدین محمد	جعفر
قاسم نور علی	شاه قوام الدین حسن شمس الدین	شاه بهاء الدین	مولانا امیدی
رکن الدین محمد	قاسم نجفی	مولانا عطاء حسین	شمس الدین علی نوری
ابوالقاسم	جعفر	زاده محمد	علی اکبر
غیاث الدین محمد	محمد موسی	نظام الدین علی استرآبادی	علاء الدوله [illegible]
ابوالحسن [illegible]	کمال الدین حسین	مولانا عبدالحسین مصری	سید احمد و [illegible]
قاسم	حاجی محمد مومن	حاجی عبدالمومن	مولانا خاطر واعظ
نظام الدین [illegible]	مولانا نظام الدین احمد صباحی		

طهماسب بهادر خان

در تابع از شاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

صنف ۴ ۳۴۶

ها که چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۳

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه

شاه طهماسب بهادر خان انار الله برهانه بعد از شاه گیتی ستان در سنه ۹۳۰ در سن یازده سالگی
بر تخت سلطنت جلوس فرموده اعادی مخذول العاقبه چشم در ملک ایران نهاده در میان ارکان دولت
و بعضی از قزلباش فتنه و جدال افتاد تا که بهادر طهماسب در حمی کامرانی ما لا شد و امرا ارباب داعیه
از میان برداشتند و دیو سلطان روملو و کپک سلطان استاجلو [illegible] از جمله امرای نامدار قرار
شدند در این تاریخ رسید که عبید خان اوزبک بخراسان دار الامان و دیو سلطان با امرا دفع او روانه خراسان
شد عبید خان کوچم بن ابوالخیر خان و ابوسعید سلطان و [illegible] سلطان و امرا شکست خورده باز گشته
بر سر خراسان آمده تا هرات سالمی صحرا نهفته با نیت مقصود بطن جور رفت و باز در سنه ۹۳۲ لشکر فراهم
آورده از قوت اتفاق شهید شد حسین سلطان کرفته از ارای [illegible] استرآبادی و [illegible] مرصد منتظر بود
فرار نمود عبید خان استرآباد را بعبدالعزیز ولد خود داده تقبه کی [illegible] بعد از جنیر روانی سلطان تکلو
با عسکر منصور بر سر عبدالعزیز رفته عبدالعزیز فرار نموده به پیر ملحق شد و عبید خان مراجعت نموده در بسطام
با اخی سلطان جمی رسیده اخی سلطان مقتول لشکر فراری گشته بار دیگر استرآباد را بتصرف کرده به
رئیس بهادر داده خود متوجه هرات شد و در سنه ۹۳۴ بر سر قلعه هرات رفته حسین خان شاملو حاکم هرات
بقلعه داری مشغول شده و او رفته در قلعه بابا مشهد [illegible] در این اثنا باری قلعه جان وفا میرزا الورس تقلیعه هرات
نموده با جمعی کثیر از اوزبکیه کشته و خبر توجه شاه عالم پناه شنیده عبید خان سکن خود رفته شاه جنت
مکان فتح قلعه مشهد فرموده عبید خان باز دیگر امرا و ملکان اوزبک کوچم خان و [illegible] خان
و فولاد سلطان و عبدالعزیز سلطان و عبداللطیف سلطان و جانی بیک سلطان و کلدی محمد سلطان

و ابوسعید سلطان و کوچک محمد سلطان و قزاقلی محمد سلطان را آن‌جا فرستاده عازم خراسان شده در نهم

شهر محرم الحرام سنه ۹۳۵ در سارو قمیش جام میان لشکر اعظم و شاه طهماسب و اوزبک فرار نموده عبید خان

نفر از جماعت اوزبکیه بقتل رسیدند به ولایات جام و صلح عازم عراق شد عبید خان بار دیگر لشکر

لشکر جمع کرده در برابر مشهد و تربت آمد ... هرات فرستاد و ... حسین خان از قزلباش

قلعه را اگر اشته ... عبید خان ... ممالک ... اسلام ... در آن حال ...

همچون ... از هرات ... مرو ... خوارزم ... داخل هرات شده ...

به برادر اعلی حضرت بهرام میرزا غیاث و غازی خان تکلو و الله میرزا و امیر الامرا ... و ...

عراق حرکت فرمود در سنه ۹۳۷ بار دیگر عبید خان لشکر فراهم آورده ... آورده قلعه ...

قبل و عبدالعزیز پسر خود را به مشهد تحریک ... اغلان ... ماهیر ... خان ... بهادر ... جمعی

دیگر ... سلطان ... روانه نمود و جمعی ... ذوالقدر سلطان ... حاکم ... قلعه

محاصره نموده ... بعضی ... دستگیر ... خان ... عبید خان ... قلعه

محاصره نموده کار بجان ... رسیده شاه ... اوزبکان ... محصوران

چند نفر از غازیان ... اغلان ... جمعی ... و ... اغلان ... نفر ... نموده

چهار برادر او با ... نفر اوزبک مقتول شدند و صوفیان ... جمعی ... خان ...

بهادر ... فرستاده لشکر اوزبک مغلوب شده ... و ... میرزا ... مشهد ...

رفتند و عبدالعزیز سلطان مشهد را اگذاشته در هرات ... ملحق شد و عبید خان قرار ... فرار

داده

هو

۵۹

از رابع از شاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

طبقه چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

طهماسب بهادر خان

داده ... کار ... و ... میرزا با اغوزلوار خان ... بسرقند ... اغوزلوار خان کشته

و ... میرزا ... شد ... عبید خان رسیده بار دیگر عازم خراسان گردید ... خلیفه ... اد

... بقتل رسید هرات را عبید خان ... نموده بقتل و غارت ... چهار ماه

... شاه ... در ... این ... شد در سنه ۹۴۳ ... خراسان ... عبید خان

واقف ... خراسان ... سلطان محمد میرزا ... در ... فتح قلعه ...

شد در سنه ۹۴۶ عبید خان ... سلطان سلیمان ... روم ... لشکر ...

... محمد خان ذوالقدر حسین خان ... جمعی ... لشکر ... رفتند و از ...

اعتبار ... خبر ... سلطانیه ... عظیم ... جمعی کثیر ... روم ...

... رفتند و سلطان ... شهر زور روانه موصل شدند و ذوالقدر و غازیان

تکلو ... سنه ۹۴۲ ...

... لشکر ... روانه ... شد و شاه ... سر ...

رفتند ... بقتل رسید ...

... در آید ... میرزا ... روم ... سلطان سلیمان ... ایران ... سال

ولایت ... سام میرزا ... در سنه ۹۵۰ سلطان سلیمان ... حضرت

نموده قلعه وان گرفت و تعمیر قلعه فارص نمود و عثمان چلبی ... قارص ...

اسمعیل میرزا [illegible] شدند و قلعه مذکور بار دیگر انهدام [illegible] شاه جمجاه ولایت [illegible]
از آنجا با [illegible] نزول فرموده و در سنه ۹۱۰ بار [illegible] سلطان [illegible] شد شاه جمجاه [illegible]
تعیین کروه بولایت روم فرستاده تا اکثر ولایات روم [illegible] میرزا [illegible] اسکندر
میرزا با [illegible] او قرار [illegible] و قلعه بارکیری [illegible] تصرف در آمد
و سلطان [illegible] مقربان [illegible] کار [illegible] صاحب ملقب بود
کرفتار شده [illegible] سلطان [illegible] شد در سنه ۹۰۶
سلطان [illegible] در سال [illegible] تصرف در آمد ولایات [illegible] و جلال
[illegible] عازم [illegible] شده [illegible] همیون خان [illegible]
کرفتار و کشته شدند و در سال [illegible] ولایت قندهار [illegible]
[illegible] در سنه ۹۱۶ سلطان بایزید بن سلطان [illegible]
[illegible] در این سال یونس خان [illegible]
[illegible] و در این سال محمد صالح [illegible] عصیان [illegible] و هم در این سال [illegible] کیلان [illegible]
[illegible] خراسان زلزله عظیمی شد [illegible]
ماندند و در سنه ۹۱۸ [illegible] ظاهر شد [illegible] در ولایت
[illegible] دانه کندم [illegible] سلطان
حیدر میرزا [illegible]
[illegible] ۹۸۴ [illegible]

هو

فهرست

لمعه [illegible] پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

[illegible] در چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناحیه صفویه

[illegible]

جلال الدین محمد

عنایت الله [illegible] — عنایت الدین علی شیرازی — [illegible] الله اصفهانی — محمد [illegible] — شاه [illegible] اصفهانی

محمد [illegible] — امیر [illegible] — کمال الدین محمود

[illegible] — معصوم [illegible] — [illegible] — [illegible]

[illegible] — قاسم [illegible] — ملک [illegible] اصفهانی

[illegible] — شکرالله اصفهانی

سلطان [illegible] — ابوالقاسم کرمانی — عنایت الدین کاشی — کمال الدین شیرازی

میرزا محمد شیرازی — [illegible] محمود

ابوالنصر — ابوالفتح شیرازی

فضل الله [illegible]

یار علی طهرانی

مولانا محمد [illegible] — سید احمد [illegible] — جمال الدین اصفهانی — محتشم کاشی

مولانا باباشاه اصفهانی — میر معزالدین کاشی — مولانا وفائی — مولانا وحشی رومی

مولانا محمد حسین عراقی — میر صدرالدین محمد الدین ترکه را — خواجه حسن ثنائی — میر حیدر معمائی

میر ابراهیم ولد شاه حسین را — خواجه علاءالدین منصور — مولانا جعفر همدانی — مولانا داعی

میر احمد ولد میر اعطا را — میر محمد حسین ولد میر شکرالله را — میر والهی قمی — مولانا علی قمی

مولانا فهمی — مولانا صائم کاشی

میر حضوری قمی — میر ضمیری ... اصفهانی

میر حیاتی را — حاجی ... نوری اصفهانی

مولانا حلوائی اصفهانی — مولانا باباشاه اصفهانی

میر صدرالدین محمد ولد میرزا اشرف را — مولانا بلال همدانی

مولانا فتحی قزوینی — مولانا برقی

اسمعیل ...

هو

خاتمه

در ابتدای پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

صنف ... ۳۴۱

ملوک چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ماضیه صفویه

شاه اسمعیل بهادرخان ... علیه ... بن سلطان حیدر ... اول

پادشاهی که در دفعه چهارم بعد از ۹۰۸ بر تخت سلطنت نشست ... و اکثر امرا را کشته

... کرده ... برادران ... شاه سلطان محمد ... و اکثر امرا ...

... در ... را با این سکه منقوش ... که ... علی ولی الله ...

... سلطنت ... عالی ...

... سلطان محمد ... چهارم شهر ذی‌حجه ... ۹۸۵ ... گذشته

... از افضل ... قزوینی ... سلطان ... نواب

... در همان ... سلطنت ... در ... استقلال ... امور دیوانی کرده

... در ... ما ... میرزا ... سلطان ... صدر ... افراشته و جلال

... میرزا ... قلی خان ترکمان ... شاه ... لشکر

... اورا ... حسین میرزا ... قندهار ... فتح ...

... آذربایجان ... ناحیه ... گردیدن

... از ... میرزا ... در ... ایام ...

... ترکمان ... نواب ... ۹۸۸ ...

... شرف ... سلطان ... کرد ...

شاه ... کامران ... شاه ... لشکر ...

شیروان و آذربایجان آورده گرفتار شده و در سال سنه ۹۸۹ شاه عباس در خراسان جلوس فرموده

نواب سکندرشان بجهة اطفای نایره فساد بجانب خراسان توجه فرموده در حوالی طهران لشکر عراق

و خراسان محاربه نموده لشکر خراسان منهزم شدند و در این سال امرای عراق میرزا سلمان وزیر را

بقتل رسانیده و هم در این سال رومیان بعضی از قلاع ایران را گرفته تصرف نمودند [illegible]

لو بایجان و گرفتار شدن امیرخان ترکمان واقع شده و هم در این سال اجماع طایفه تکلو و ترکمان [illegible]

در زمره عثمان پاشا سردار تبریز را به تسخیر رفت و نواب سکندرشان [illegible] عثمان پاشا [illegible] در

[illegible] قورچی [illegible] امامقلی [illegible] لشکر روم [illegible] و در این سال تکلو و ترکمان آغاز

فتنه نموده آتش فتنه [illegible] از آب تیغ [illegible] حمزه میرزا [illegible]

[illegible] گریخته و در بیست و دوم شهر ذیحجه سنه ۹۹۴ شاهزاده جوان بخت از زخم خنجر خودی دلاک

شربت شهادت چشیده نواب ابوطالب میرزا را ولیعهد گردید و در خصوص [illegible] در این سال طوایف

قزلباش [illegible] اکثر قلاع تصرف دشمنان در آمده و در این سال طایفه قزلباش [illegible]

نواب گیتی ستان شاه عباس بهادرخان را به عراق آورده ولیعهد گرفتند

[illegible] نواب سکندرشان

بمنه [illegible]

هو

[illegible] ۹۶۲

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۳۴۹

[illegible] بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

گیتی ستان علیین آشیان شاه عباس انارالله برهانه بر تخت سلطنت جلوس فرموده در سنه ۹۹۶ [illegible]

مرشد قلیخان لله بود و در [illegible] عبدالله خان اوزبک هرات را گرفته علیقلی خان [illegible] شاملو

حاکم آنجا را بقتل رسانید و در این سال [illegible] عازم خراسان [illegible] مرشد قلیخان

بقتل رسید [illegible] آمده [illegible] آمده [illegible]

و در ابتدای سنه ۹۹۸ عبدالمومن خان اوزبک [illegible] مشهد [illegible] گرفته قتل عام نمود و در این سال [illegible]

خان و امرا [illegible] محمد خان [illegible] حاکم [illegible]

کشته [illegible] قلعه طبرک اصفهان [illegible] بقتل

رسید و در این سنه ۹۹۹ یعقوب خان [illegible] کشته شد

و در [illegible] سنه ۱۰۰۱ [illegible] مرتضی قلیخان [illegible]

قطع [illegible]

در [illegible] سنه ۱۰۰۱ [illegible] گیلان و خراسان [illegible]

بعضی [illegible] عبدالمومن خان

قرار [illegible] عبدالمومن خان قلعه [illegible]

قلعه را [illegible] عبدالمومن خان [illegible] ماوراءالنهر رفت و در این سال [illegible]

شد و در [illegible] خسرو [illegible]

که حاکم قندهار بود بهند و ستان رفتند و درین سال لشکر قزلباش در آذربایجان و قرا باغ (?) [illegible]

مجاربه نموده انهزام یافتند و در سنه ۱۰۰۳ در گیلان لشکر رفته و از طرف بهمه سبزواریان مندفع گشتند

و هم درین سال اعتماد الدوله فرهاد خان بخوارزم رفته و عربستان فتح شد و در سنه ۱۰۰۴ الکا

و امغان و بسطام بفرهاد خان تحویل شد لامتقابک با گیره قورچی تبریز و گمان با محکی از اردوی ما مور

و ازو جی سبزوار بخراسان شد عبدالمومن خان اسفراین و سبزوار را گرفته قرار نمود و ذوالفقار خان

با محکی بردم رفتند و درین سال حمزه نام با گیلانیان یاغی شده بقتل رسیدند و بوداق شاه سلطان محمد

بجوار رحمت ایزدی پیوست و در سنه ۱۰۰۵ ماهر سال قتل و الکا بفرهاد خان تحویل شد

فرهاد خان بمازندران رفته ملک بهمن گرفتار شد و حاجی محمد خان پادشاه خوارزم پناه بدرگاه شاهی آورد و مهدی قلی

خان حاکم شوشتر با طالعه افشار در عربستان نزاع شد الله وردی خان بقصد تسخیر گرجستان

افشار که ایلی در آن نواحی بود و هم درین سال اوزبکیه تا حدود هرات آمدند علیقلی خان شاملو

شکست داد و درین سال آق شاهسون قوی شد و در کتغوی سنه ۱۰۰۶ احسن خان حاکم

حاکم بسطام درین نزاع غارت عامری باوزبکیه مجاربه نموده بقتل رسیدند و درین سال تسخیر ولایات

رستمدار و گجور شده ملک جهانگیر گرفتار گردید و شاه وردی خان لر مقتول شده الکای او

بحسین قلی خان لر تفویض شد و علیخان کرد از کیا گرفتار شد و قلعه اولاد در مازندران بدست

بدست در آمد و در این سنه ۱۰۰۶ عبدالله خان فوت شد و دار الملک ماوراء النهر بعبدالمومن خان قرار گرفت

و در همان سال کشته شد پیر محمد خان در بخارا و عبدالامین خان در بلخ متمکن شدند و دین محمد خان در هرات

بسته سلطنت

هو

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۶۲

فصل

تتمه چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

فصل

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه

سلطنت شاه عباس

بر مسند سلطنت نشست باقی خان را در نسف در ماوراء النهر والی شد و درین سال در خراسان با دین محمد خان اوزبک محاربه

واقع شد و دین محمد خان منهزم گردید و فرهاد خان بقتل رسید و نور محمد خان چپ قزلباش در مرو و حاجی محمد خان

والی خوارزم بر سر حکومت موروث و ولایت اورد و ابراهیم سلطان و مراجعت موکب ظفر انتساب بصوب عراق

و شکار گاه در صحرای سلطانیه [illegible] و ساختن قلعه مبارکه لار و در این الوند دیو مار

واقع و کشف [illegible] خراسان [illegible] در بخارا [illegible] و در سکو [illegible] همراه

[illegible] و در سنه ۱۰۰۹ نشانه ظفر آیات عزم ابیورد و مرو شاهیجان [illegible] و مشهد

و نور محمد خان را [illegible] الله وردی خان سلطان [illegible] امیر [illegible] در سنه [illegible]

[illegible] در سنه ۱۰۱۰ حضرت شاه [illegible] زیارت [illegible] علیه السلام [illegible]

و تحریر ولایات [illegible] در سنه ۱۰۱۱ فتح قلعه [illegible] و ولایات فیروز [illegible] عازم بلخ شد

[illegible] مراجعت [illegible] قلعه [illegible] در آمده [illegible] جهانگشا [illegible] ک

و فتوحات [illegible] عظیم [illegible] شاه [illegible] فتح قلعه [illegible] و نخجوان و ایروان [illegible]

هند مطیع گشت و در سنه ۱۰۱۲ [illegible] ایل [illegible] قاجار [illegible] قدری [illegible]

[illegible] و درین سال [illegible] امرای [illegible] و جعفر [illegible]

یا [illegible] و قشلاق [illegible] و قلعه [illegible] در آمد و در سنه ۱۰۱۴ امدل

اکراد [illegible] محاربه [illegible] و هم درین سال قلعه [illegible]

و [illegible] خان لشکر کشیده [illegible] سر جغال اوغلی [illegible] و جلالی [illegible] خروج [illegible] شد و از آنجا به گنجه
اکراد محمودی عازم بالکو شد و گرجیان [illegible] عصیان [illegible] ایستادند [illegible] را به قتل رسانیدند و جغال اوغلی
با جنود ارض روم [illegible] به تبریز آمده [illegible] شکست یافت [illegible] و محمد سلیم سلطان [illegible] محمد میرزا
از [illegible] به خراسان و غرجستان روانه شد [illegible] در این سال قلعه گنجه فتح شد و جلال الدین محمد اکبر پادشاه جهان
[illegible] در سنه ۱۰۱۵ [illegible] قلعه ایروان [illegible] عازم تسخیر
شیروان [illegible] قلعه شماخی و قلعه [illegible] فتح شد و در [illegible] سنه ۱۰۱۶ امیرگونه خان قلعه [illegible]
فتح [illegible] محمد سلیم سلطان از غرجستان [illegible] رفته [illegible] گشته و با محمد میرزا [illegible]
ماوراءالنهر [illegible] خراسان [illegible] و در این سال [illegible] معصوم
علیهم السلام وقف [illegible] سنه ۱۰۱۷ [illegible] درگاه جهان [illegible] اعتماد الدوله
واقع [illegible] سنه ۱۰۱۸ [illegible] ذوالفقار خان [illegible]
و در قتل امیرگونه خان [illegible] گرجستان [illegible] بوقوع [illegible]
در این سال امیرخان [illegible] اعتماد الدوله [illegible]
امیرخان [illegible] درگاه [illegible] سنه ۱۰۱۹ [illegible] محمد [illegible]
روم [illegible] امیرگونه خان [illegible] ارض روم [illegible]
باشد [illegible] وزیر اعظم [illegible] سنه ۱۰۲۰ [illegible]
کثیر اصفهان [illegible] و در این سال [illegible] ماوراءالنهر [illegible]

و در سنه

۶۴

[illegible] انساب اسامی سلاطین عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند

فصل ۱۵

[illegible] چهارم بعد از ظهور اسلام

۹

چهارم در ذکر [illegible] صفویه

۲

[illegible] شاه عباس [illegible]

و در سمرقند [illegible] بخارا [illegible] و در این سال [illegible] شد و در [illegible] سنه ۱۰۲۱ اجداد
خیابان و توسیع صحن و اجرای میاه آستانه مقدسه منوره رضویه علیه السلام و عمارت اشرف مازندران شد
و در اوایل سنه ۱۰۲۲ فتح قلعه [illegible] درگاه معلی آمدند و عمارت [illegible] صدر
از [illegible] روم مراجعت [illegible] رستم محمد خان [illegible] از غرجستان [illegible] نور
[illegible] گرجستان واقع شد و در [illegible] سنه ۱۰۲۳ [illegible] خان از [illegible] درگاه معلی [illegible]
مراجعت [illegible] طهمورث خان [illegible] گرجستان آمده
[illegible] عصیان [illegible] طهمورث [illegible] واقع [illegible]
[illegible] حسین خان [illegible] خراسان [illegible] رمضان
[illegible] سنه ۱۰۲۵ [illegible] عازم گرجستان [illegible]
[illegible] خان [illegible] محمد [illegible] وزیر اعظم [illegible] ایروان [illegible]
[illegible] سنه ۱۰۲۶ [illegible] قشلاق واقع شد [illegible]
[illegible] بعضی [illegible]
[illegible] روم [illegible]
[illegible]
و سلطان [illegible] شاه روم در این سال [illegible] سلطان مصطفی [illegible]

۶۷

و در توشقان ئیل سنه ۱۰۲۷ سلطان مصطفی خلع و سلطان عثمان ولد سلطان احمد در سلطنت متمکن شد و چلبی پاشا
و سنان پاشا با دو لک سوار با قرچقای خان که سپهسالار بود محاربه کرده شکست یافتند و در این سال ایلچیان از اطراف بدرگاه
معلی آمدند و در قوی ئیل سنه ۱۰۲۸ الکای مشهد مقدس به حسن خان ولد قرچقای خان و تبریز به شاه بنده خان شفقت شد
و در این سال ستاره ذو ذوابه ظاهر شد و محمد تقی بیگ و محمد مهدی بیگ [illegible] و امیر قلی بیگ
گرجی [illegible] در این چند روز طهمورث خان [illegible] بکلی از [illegible] شد
امارت نفس سلطان ولد او شفقت شد و در [illegible] سنه ۱۰۲۹ شروع در [illegible] و قلعه
ورق تصرف درآمد و در [illegible] سنه ۱۰۳۰ والی گنج و مکران بدرگاه معلی آمد [illegible] رسید
منصور خان شفقت شد و لشکر [illegible] فرستاده شد و سلطان حضرت اعلی عازم خراسان گشته
[illegible] ایلچی بدرگاه معلی فرستاده و شیخ المحققین مولانا بهاء الملة والدین وداع
حیات مستعار کرده و در [illegible] سنه ۱۰۳۱ قندهار فتح و ایلچی [illegible] و والی خوارزم بدرگاه معلی
آمده [illegible] الکا [illegible] خان [illegible] مفتوح شد و سلطان عثمان [illegible] گشته
شد و توسیع شوارع مازندران شد و در [illegible] سنه ۱۰۳۲ فتح قلعه [illegible] و [illegible]
روضات مطهرات علیات عالیات میسر و [illegible] صفی قلی خان شفقت شد و قرچقای
خان فتح کرکوک و موصل نموده امیر گونه خان قلعه اخسقه [illegible] سلیم خان [illegible] شد
و در [illegible] سنه ۱۰۳۳ امورا کرج طغیان و عصیان ورزیده قرچقای خان [illegible]
کرجستان کهیه در [illegible] سنه ۱۰۳۴ قرچقای خان و یوسف خان و بعضی از امرا از [illegible]

هو

۶۰
انا تبیع اشتال عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

۵۳
فی [illegible] چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

۶۴
شاه عباس بهادر خان

بحیله و مکر متصرف شد و فوجی از عسکر منصوره به قراقالی آل رفته شاه بنده خان [illegible]
بر سر قلعه اخسقه آمده سلیم خان قلعه را خالی کرده فرار نمود [illegible] و وزیر اعظم با لشکر [illegible]
آمده [illegible] قلعه را محاصره [illegible] صفی قلی خان حاکم بغداد [illegible]
و دلاوری [illegible] قلعه [illegible] و [illegible]
[illegible] در سال ۱۰۳۵ [illegible] قشلاق [illegible] و در توشقان ئیل سنه ۱۰۳۶
عیسی خان [illegible] قلعه اخسقه رفته فتح نمود [illegible] لشکر آورده
[illegible] جهان [illegible]
[illegible] عازم قشلاق [illegible]
شاه سلیم [illegible] و در [illegible] سنه ۱۰۳۸ [illegible]
[illegible]
[illegible] و چهارم جمادی الاول
سنه ۱۰۳۸ [illegible]
[illegible] انا لله و انا الیه راجعون
مدت سلطنت [illegible]

واحر الحادثات ان دستور العمل سلاطین با تمکین و مستقل
ساله ازان است که تقریر توان نمود و این مجملات سالک
کنجایش این نسخه لهذا اقتصار ازان نخستین مشغول

عباس — لاالاصفهان
مسجد جامع اصفهان که از عجایب روزگار است

راینده رود اصفهان — فرح آباد اصفهان

اشرف مازندران — فرح آباد مازندران

۶۶

اما پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند

طبقه
تا آنجهار دفعه بعد از ظهور اسلام

جهارم در ذکر پادشاهان ناحیه صفویه
کیستان شاه عباس که آراسته نمایه حالیه

۱

وصدها

باسم عیسی خان حاکم هرات — سلطان حاکم ... — اسکندر خان حاکم هرات
سلطان حاکم — سلطان حاکم بحوال — سلطان حاکم غور — سلطان حاکم بالامرغاب
ابوالقاسم سلطان حاکم — سلطان عرب ... امرا — سلطان میراب دارالسلطنه اصفهان

وصدها

سلطان حاکم کرمان — سلطان فرخلو حاکم — سلطان حاکم
سلطان حاکم اروان — حاکم بروع — حاکم تبریز — سلطان حاکم قپانات — سلطان حاکم ... — سلطان والد کلانلا — سلطان — سلطان حاکم کعبه جامه

باسم حیدر سلطان حاکم تنکابن

سلطان حاکم اروس — سلطان حاکم فراه

سلطان حاکم کاورود

وصدها

باسم ... سلطان حاکم اروسک — باسم برهان الدین حاکم قراصداغ — ... استان — ... اردلان

سلطان حاکم ... قلعه بایزید | سلطان حاکم قلعه باکو | حاکم استاره | سلطان ... | سلطان ... حاکم سبزوار | خان حاکم ... | خان ... حاکم مرو شاهجهان | خان ... حاکم ... سلماس

سلطان حاکم ... بعضی ... سعد

باسم منصور سلطان ... الکا دارد | باسم قاسم محمد سلطان | سلطان حاکم ... | سلطان قلعه ...

خان ... حاکم قندهار | سلطان حاکم ...

باسم شمس الدین خان حاکم دارابجرد | باسم مرادخان حاکم ارسبار | سلطان حاکم ... | سلطان ...

سلطان از امرای شروان | سلطان ...

سلطان حاکم زنجان | مصطفی سلطان ...

[illegible]

سلطان حاکم نیشابور | ... کرایلی | خان ... حاکم مراغه | سلطان ...

سلطان حاکم ... | حسن سلطان حاکم تبریز | ... سلطان حاکم ... | سلطان ترکمن

سلطان حاکم جام | ... سلطان | جلال الدین ولد ملک محمد حاکم سیستان | سلطان ...

سلطان حاکم ... | سلطان حاکم جهان ... ارغیان | خان ... حاکم ... | سلطان ...

سلطان میر اغروق | محمد سلطان ...

هو

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

... تا این ... چهار وقعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ماضیه صفویه

... شاه عباس ... [illegible]

سرکار خاصه شریفه | [illegible]

خان ولد اله‌وردی خان بیگلربیگی فارس | خان ولد امامقلی خان امیر دیوان و حاکم لار

خان برادر امامقلی خان حاکم قراباغ | خان ... بیگلربیگی عراق عرب و ... و متولی عتبات عالیات ... علیه السلام و قورچی باشی

... بیگلربیگی شیروان | سلطان حاکم دربند

سلطان حاکم ... | سلطان میر ...

سلطان ... حاکم ... | سلطان ... حاکم ...

سلطان میر ... بازوکی و ... | سلطان حاکم ماروچاق

خان ... بیگلربیگی استراباد | سلطان بیگلربیگی مشهد مقدس

هو

۶۸

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

ثالث چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناحیه صفویه

... شاه عباس بهادر خان

ور

ووزرای عظام

امرای عظام

ور ور

عظام لوه لعر

محمد لعر

لعر

ابو الوفا الحو شیرازی ولد میرزا برهان

سلمان

شاه محمد

رضی الدین محمد را

رفیع الدین محمد را

محمد کرمانی را

محمد را

رفیع را

لطف الله شیرازی را

ولد بهرام بیک نصیری

ابوطالب ولد میرزا ... را

بلنجان ولد میرزا ...

ضعف

سلطان

از تاریخ ابتدای غلبه عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند

٦٥

تا این چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

١٤

چهارم ورد دیگر پادشاهان ناحیه صفویه

رضوان بارگاه شاه صفی [illegible] در شهر [illegible] ١٠٣٠ بعد از انتقال نواب گیتی‌ستان

در دار السلطنه اصفهان بر تخت سلطنت جلوس و خسرو میرزا ملقب به رستم خان در سال ١٠٣١

غریب شاه نام مجهول الاصل از گیلان سر به خروج و جمعی کثیر از مردم بر سر او جمعیت نموده ساروخان

و گرگین خان با غازیان بر سر او رفته دستگیر نموده در اصفهان مقتول گردید بعد از غریب شاه

فتنه و فساد اعمال پاشای بغداد یافته باب تدبیر نموده خان خان خوزستان میرزا محمد تقی وزیر

فرو نشست خان الله ویردی خان حاکم کردستان [illegible] حاکم [illegible] گرفته در بارگاه معلی فرستاد و در

سنه ١٠٣٩ خسرو پاشا وزیر اعظم اراده تسخیر قلعه [illegible] نموده سید مراد و [illegible]

حسن در الموت خان الله ویردی خان حاکم کردستان که جنود بهم رسیده و بهمدان آمده در [illegible]

سر با مردم [illegible] از کوه خرد خسرو پاشا سالار لشکر کردستان بهمدان آمده کردستان [illegible]

او و او زینل خان در کوتل جعفر باد و جماعه منهزم شده و خسرو پاشا بهمدان و [illegible]

او اکثر رعیت فراوان کرده و زینل خان مقتول و رستم خان سپهسالار خسرو پاشا بعد از او محاصره نموده مراد

او در قلعه مذکوره دو عرض جنگ یوم [illegible] [illegible] ولایت گرد از دیوارهای قلعه

سابق با [illegible] کرده و جنگ نموده [illegible] [illegible] قلیچ خان [illegible] و در راه [illegible] عسکر

شکست ما [illegible] کوتوال قلعه عزم کرده [illegible] روز دیگر خسرو پاشا [illegible] و خلیل پاشا

را در قلعه حله گذاشته قلعه حله را ضبط نموده بنام قلعه دار [illegible] رستم خان با عساکر منصوره بار ماه

قلعه را محاصره نمود و خلیل پاشا قلعه را گذاشته فرار نمود در سنه ١٠٤١ [illegible] عازم

تمت بالفعل

اصفهان شاهزاده‌ها مقتول و کحال شدند و عیسی خان شیخاوند با فرزندان و ملک‌زادگان حسن خان حاکم
سابق هرات و یوسف آقا و چراغ خان و تخته خان بقتل رسیدند خلیفه سلطان از وزارت معزول
و میرزا ابوطالب پسر [illegible] وزارت سرافراز و میرزا رفیع صدر معزول شد و میرزا حبیب الله منصب
صدارت یافت و قراقچای [illegible] بیگلربیگی شروان عزل و فرخ خان بجای او نصب و در [illegible] سنه ۱۰۴[illegible] داود خان
مرتد و عصیان [illegible] تحویل [illegible] کار شد [illegible] رستم خان [illegible] شروان رفته [illegible] بطلب [illegible]
سپهسالار میرزا ابوطالب اعتمادالدوله و اغورلو خان و حسن بیگ [illegible] صاحب [illegible] بقتل رسیدند وزارت اعظم
میرزا محمد تقی [illegible] شد و سلطان [illegible] شاه سلیم [illegible] در دارالسلطنه اصفهان [illegible]
بوسی یافت و در [illegible] سنه ۱۰۴۲ سلطان مراد خواندگار روم [illegible] ایروان آمده طهماسب قلی خان حاکم
آنجا قلعه را بتصرف او داده و خواندگار تا دارالسلطنه تبریز آمده مراجعت نمود [illegible] نواب
سکندرشان قلعه مذکور را تعاقب کرده در ایام محاصره [illegible] فرخ خان حاکم شروان
بقتل رسیدند و بعد از سه ماه قلعه مفتوح [illegible] شد و در [illegible] ولد او را [illegible]
او [illegible] خانواده او [illegible] شد و در [illegible] سنه ۱۰۴۴ ابوالغازی گرفتار شد و در
[illegible] سنه ۱۰۴۵ اردوی [illegible] در اصفهان نزول اجلال داشت و در [illegible] سنه ۱۰۴۷ علیمردان
خان [illegible] قلعه قندهار را بتصرف [illegible] و قلعه
بست [illegible] شده [illegible] سلطان [illegible]
قلعه مذکور را محاصره نمود بعد از سه ماه قلعه را [illegible] آورده [illegible] سلطان مراد [illegible]
[illegible] و سلطان مراد خواندگار روم [illegible] قلعه را بتصرف خواندگار داده

[illegible]

هو

مجمل

اسامی پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

طبقه ۵۲ [illegible] بعد از ظهور اسلام

[illegible] ۱۵ چهارم در ذکر پادشاهان [illegible] صفویه

[illegible] ۲ [illegible] رضوان مکان شاه صفی انار الله برهانه

در [illegible] در [illegible] سنه ۱۰۴۸ بنای عمارت [illegible] و در [illegible] سنه ۱۰۴۹ ییلاق
و قشلاق در دارالسلطنه اصفهان واقع شد و در [illegible] سنه ۱۰۵۰ حسین خان [illegible]
شده [illegible] و در [illegible] رستم خان سپهسالار [illegible] امرا [illegible]
قندهار [illegible] و در [illegible] سنه ۱۰۵۱ نواب رضوان مکان [illegible] عزم
[illegible] قندهار از دارالسلطنه اصفهان بیرون آمده در دارالمؤمنین کاشان مریض و صاحب
فراش شده بتاریخ شب چهارشنبه [illegible] شهر صفر المظفر [illegible] عالم بقا و جنت المأوی و فردوس اعلی
انتقال فرمودند انا لله و انا الیه راجعون

مدت سلطنتش

[illegible] المظفر [illegible] عالم [illegible]

[illegible] ۷ ماه